

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام بصورت الکترونیکی
برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

راز نیایش منتظران

نویسنده : سید محمد تقی موسوی اصفهانی

پیشگفتار

استثمار محرومان و بهره‌کشی از مستضعفان، مشکلی نیست که به تازگی بر جامعه بشری سایه افکنده باشد، بلکه از دیر باز انسانیت دچار این بلای بزرگ اجتماعی بوده و با آن به ستیز برخاسته است.

از آغاز خلقت که بنگریم هابیل را در برابر قابیل و ابراهیم را در مقابل نمرود، موسی را در رو با

فرعون و پیامبر اکرم را درگیر با کفار قریش - همچون ابولهب، ابوجهل و ابوسفیان - مشاهده می‌کنیم. همیشه و در همه جا، گروهی خود را بر دیگران تحمیل نموده و به استضعاف آنها پرداخته‌اند.

آیا این جدال را پایانی هست؟ آیا بشریت سرانجام از این مهلکه عظیم نجات خواهد یافت؟ و آیا جامعه انسانی چهره سعادت و مواسات و مساوات را خواهد دید؟ آیا می‌توان به آینده‌امیدی داشت؟ یا اینکه باید بسان حشره‌ای گم کرده راه، همچنان در تارهای تنیده از مشکلات مادی و هواهای نفسانی خویش دست و پا کند و سرانجام به زندگانی ننگین خویش پایان بخشد؟

متفکران شرق و غرب به این پرسش پاسخهای گوناگون داده‌اند، گروهی آن چنان به در مرداب یاس و ناامیدی فرورفته‌اند که دیگر توان حرکتشان نیست، و برخی به جای پرداختن به جامعه خویش، گوشه نشینی و درویش مسلکی را به عنوان آخرین پناهگاه برگزیده‌اند.

در این میان اندیشمندان ژرف‌نگر به آینده‌ای روشن‌تر و به ساختن جهانی برتر فکر می‌کنند، و این

راهی است که از دیر باز برای انسانها مطرح بوده است. طرح مدینه فاضله توسط افلاطون، سرزمین الدورادور به وسیله ولتر، و شهر آفتاب از سوی توماس کامپانلا، همه نشانه‌ای است از این نگرش و توقع نسبت به آینده بشریت.

پیام آوران الهی همواره امت خویش را به پایانی روشن و ایده‌آل بشارت داده‌اند، بشارت بر اینکه سر

انجام پیروزی از آن مستضعفین است و بس. و این وعده الهی است که: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

وما چنین اراده کرده ایم که بر ناتوان شدگان زمین منت گذاریم و آنها را پیشوا و وارثان (راستین) آن قرار دهیم. در سیستم اندیشه اسلامی انجام این مهم، بر عهده آخرین جانشین رسول اکرم صلی و آله و سلم قرار داده شد. خدا بر روی زمین، بر پا دارنده حکومت واحد جهانی، امام زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - گذارده شده است. پیروزی نهایی به دست قدرتمند او، و نجات مستضعفین به بازوی توانای آن حضرت می باشد.

در دوران غیبت امام، شیعه - این رهروی خستگی نا پذیر تاریخ - با آزمایشی سخت و دشوار، ما سازنده و انگیزنده درگیر است. از یک سو، به جهت عدم شایستگی جامعه، از دیدار امامش محرم است، و از دیگر سو، در رابطه با باورداشت این رهبر الهی، وظایفی بس سنگین بر دوش دارد. انتظار ظهور حضرت مهدی (عجل الله فرجه) - این حماسه پر شور تشیع - در راس این وظایف قرار گرفته، و منتظران حقیقی در نمایاندن انتظار راستین خود، تکالیف فراوانی را باید به انجام رسانند. از جمله کسانی که در ارائه این راه به مردم مشتاق کمر همت بسته، مرحوم میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (معروف به احمد آباد) است. وی به سال ۱۳۰۱ ه. ق. در اصفهان متولد شد و در سال ۱۳۴۸ ه. ق. یعنی در سن ۴۷ سالگی در گذشت. در دوران عمر کوتاه و پر برکتش حدود ۱۷ کتاب و رساله نگاشت، که از آن میان کتاب پر ارج مکیال المکارم درباره حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه - می باشد و نیز سه رساله به فارسی با نامهای:

۱ - وظیفه الانام فی زمن غیبه الامام علیها السلام

۲ - نور الابصار فی فضیله الانتظار

۳ - کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیها السلام

سیری اجمالی در آن کتاب و این سه رساله، موجی از عشق و محبت راستین حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - را در نظر خواننده مجسم می سازد، عشقی فراوان که از ایمانی راسخ سرچشمه گرفته و گویا به وصال محبوب نیز انجامیده است.

انگیزه نگارش کتاب ارزشمند مکیال المکارم یکی از نمونه های آن محبت متقابل است، که در عالم رویا به ملاقات آن حضرت نایل شده و دستور نوشتن کتاب را از حضرتش شنوده است که : این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را - بگذار مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم.

محقق فرزانه حضرت حجت الاسلام آقای صافی گلپایگانی (گرد آورنده کتاب شریف منتخب الاثر و بسیاری نوشته های سودمند دیگر) در مقدمه جلد دوم کتاب مکیال مکارم می نویسد : «الکتاب الذی یعرب عن طول باع مولفه وسعه تتبعه وتفکیره، لم نعرف له نظیرا فی بابہ، ولم نطلع فی ما کتب حول المهدویه علی کتاب مفرد آداب الدعاء للمهدی **علیه السلام** غیر هذا الکتاب...»

این کتاب گویای حوصله فراوان مؤلف و گستردگی تحقیق و تفکر و تلاش اوست. در موضوع خود بی نظیر است و جز این، کتابی که در موضوع مهدویت و آداب دعای بر حضرت مهدی **علیه السلام** باشد، سراغ نداریم...

در جهت آشنایی بیشتر با شخصیت این بزرگ، بهتر است که به نقل مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی - محقق اندیشمند و کم نظیر قرن اخیر - اکتفا کنیم که درباره اش نوشت: «عالم فاضل و خطیب بارع... کان من العلماء الاعلام القائمين بالوظائف الشرعيه وامامه الجماعه والوعظ وغيرها.»

(او) دانشمندی فاضل و گوینده ای نیکو... و از دانشمندان برجسته ای بود که مسئولیتهای دینی و پیشوایی جماعت و پند و موعظه (مردم) را به انجام می رساند. از نوشته های آن مرحوم درباره حضرت ولی عصر **علیه السلام** مکیال المکارم در سال ۱۳۹۸ ه. ق - (قم. مطبعه العلمیه) تجدید چاپ شده، و رساله وظیفه الانام فی زمن غیبه الامام نیز توسط حسینیه عماد زاده اصفهان به چاپ رسیده است. آنچه در اینجا مطالعه می کنید دو رساله دیگر یعنی نور البصار فی فضیله الانتظار و کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم **علیه السلام** باشد.

در نیمه شعبان ۱۳۹۷ نمایشگاهی از کتب ویژه حضرت مهدی **علیه السلام** روزی بسوی نور در تهران تشکیل گردید و ۳۱۳ جلد کتاب به نمایش گذارده شد، در سال ۱۳۹۸ با تعدادی فزونتر در مشهد و در نیمه شعبان ۱۳۹۹ در تهران (موزه نگارستان) با بیش از ۵۰۰ کتاب تکرار گردید.

این نمایشگاهها از سوی مقامات علمی و روحانی، اساتید محترم و اندیشمندان اسلامی مورد استقبال و تشویق فراوان قرار گرفت. انجام این امر برای پژوهشگران و علاقمندان، انگیزه ای بود که به احیای این آثار ارزشمند دست یا زند و کوششی فزونتر در این مسیر بکار گیرند.

به عنوان نمونه می توان از دو اثر ارزنده کتاب الغیبه (تالیف شیخ نعمانی) والبرهان فی علامات مهدی آخر الزمان (تالیف متقی هندی) نام برد که به همت والای دانشمند معظم جناب آقای عی اکبر غفاری تصحیح و تجدید چاپ شدند.

انگیزه گزینش و تجدید چاپ این دو رساله نیز همان بود، به علاوه که این دو رساله چنان کمیاب است که حتی در کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، کتاب خانه آسان قدس رضوی (مشهد)، و نیز کتاب خ انه مجلس شورا (تهران) یافت نشد، و این خود تاییدی دیگر بر ضرورت انجام این مهم بود.

به هر حال نسخه عکسبرداری شده کتاب را از طریق همان نمایشگاه و نسخه اصلی را از کتاب خانه شخصی حجت الاسلام جناب آقای شریعت پناه تهیه کردیم . بدین وسیله از الطاف و محبت های ایشان و مسئولین نمایشگاه صمیمانه سپاسگزاری می نماییم . در پایان، ضمن پوزش از کمبود ها، پیشنهادات و - راهنمایی های مفید دانشوران معظم را ارج نهاده و مغتنم می شماریم.

انتشارات بدر تهران - زمستان ۱۳۵۸

نور الابصار في فضيلة انتظار

بسم الله الرحمن الرحيم و هو حسبى

«الحمد لله المنعم المنان الذى جعل انتظار مولانا صاحب الزمان افضل عبادات اهل الايمان والصلوة على نبيه وصفيه محمد الذى نزل عليه القرآن وعلى آله المعصومين امناء الرحمن وحجج الله على الانس والجان ولعنه الله على اعدائهم اهل الكفر والطغيان.»

اما بعد بنده شرمنده جانى مح مد تقى ابن عبدالرزاق الموسوى الاصفهانى عفى الله تعالى عنهما، به عرض برادران ايمانى مى رساند كه چون از افضل عبادات در اين اعصار انتظار فرج و ظهور خاتم ائمه «اطهار المدخر لاخذ الثار والانتقام من الاشرار والكفار اعنى الامام الغائب عن الابصار القائم المنتظر المهدي الحجة بن الحسن العسكري عليهم السلام لهذا محض خدمت به آن بزرگوار وبه جهت دلالت بسوى اين امر جليل، جمع نمودم در اين مختصر بعضى از آنچه وارد شده است در اخبار مرويه از ائمه اطهار، در فضيلت اين انتظار.

اميد آنكه در روز شمار در زمره انصاران امام ابرار بشمار آيم. وناميدم آن را به كتاب نور الابصار فى فضيله الانتظار ومشمتمل نمودم آن را بر يك مقدمه وسه مقصد و يك خاتمه. اما مقدمه: بدان كه مؤمن بايد قصدش در انتظار، فرمان بردارى خداوند عالميان ومحبت به رسول او وائمه اطهار عليهم السلام به ثوابهاى كامله انتظار فائز ورستگار گردد، انشاء الله تعالى.

ثواب و فضیلت انتظار

در بیان جمله ای از اخبار وارده در ثواب و فضیلت انتظار، به نحو اختصار . در کمال الدین از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: هر کس از شماها بمیرد با ایمان در حالی که منتظر باشد مثل کسی است که در خیمه حضرت قائم علیه السلام منت آن جناب باشد.

و در حدیث دیگر از پدران خود از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که فرمودند : هر کس انتظار فرج ما را داشته باشد مانند کسی است که در راه خدا در خون خودش غلطیده باشد . و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام خوشا به حال شیعیان قائم ما، که انتظار ظهور او را داشته باشند در زمان غائب بودن او، و اطاعت او نمایند در زمان ظهور او، ایشانند اولیاء خدا که ترس و حزنی نیست بر آنها در روز جزاء. و از حضرت رسول صلی و سلمی ﷺ نقل شده است:

افضل عبادها انتظار فرج داشتن است. و در بحار از عبد الحمید واسطی منقول است که گفت: به حضرت امام محمد باقر علیه السلام ما دست از بازارها و کسبهای خود برداشته ایم، به جهت انتظار این امر، به نحوی که بعضی از ما نزدیک است سائل به کف شود.

فرمود: ای عبد الحمید آیا گمان می کنی کسی که در راه خدا چنین کند، خداوند فرج و گشایش باو ندهد؟ خدا رحمت کند بنده ای را که خودش را برای یاری ما نگاه می دارد، خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را احیاء می کند.

گفتم: اگر به حال انتظار بمیرم پیش از ظهور قائم شما، چه ثواب دارم؟ فرمود: هر کس از شماها که در حال انتظار حضرت قائم از دنیا برود، و عزم یاری کردن او را داشته باشد در زمان ظهورش، مثل کسی است که در رکاب او جهاد کرده باشد و شهید شده باشد.

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل است که فرمودند: انتظار فرج داشتن، از افضل اعمال است . و در احتجاج از آن حضرت روایت است که به ابی خالد کابلی فرمودند که:

وکسانی که عجله می کنند هلاک می شوند (یعنی از دین بر می گردند) و کسانی که فرمان بردار ائمه خود هستند (یعنی چون و چرا نمی کنند و به دستور العمل امامان دین رفتار می کنند) نجات می یابند.

مولف می گوید که مراد از عجله ای را که باعث هلاکت می شود، در مقدمه کتاب کنز الغنائم بیان نموده ام. و از حضرت امیر علیه السلام است که فرمودند: منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند نا امید نباشید، بدرستی که پسندیده ترین اعمال بسوی حق تعالی انتظار فرج است.

و از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد، در حالتی که انتظار ظهور امام زمان را داشته باشد، مانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه آن حضرت باشد. انگاه اندکی ساکت شد، بعد فرمود: بلکه مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند. بعد فرمود: نه والله، بلکه مانند کسی است که در رکاب حضرت رسول صلی و شلین صلوات الله علیهم

حقیر گوید: در این حدیث سه درجه از ثواب را تدریجا ذکر فرموده اند که از برای منتظرین ظهور حضرت قائم هست. و در بحار از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که خلاصه اش این است که: حق تعالی به کسانی که در زمان غائب بودن امام، انتظار ظهور او را دارند، و دین خود را محکم نگاه می دارند، عطا فرماید آن ثوابهای واقعی کامل را، که به آزادی عمل نمودند بر طبق احکام واقعی و عبادات صحیحه قرار داده، اگر چه آنها به سبب غائب بودن آن حضرت، دسترسی به فهمیدن حکمهای واقعی و عبادات حقیقی نداشته باشند، (یعنی به ازای اعمال و عبادات ظاهریه که مطابق تکلیف فعلی خود بجا می آورند، اجر و ثواب اعمال و عبادات کامله حقیقه را مرحمت می فرماید، به واسطه فضیلت انتظار داشتن از برای ظهور امام علیه السلام و قیامت احکام).

و در نجم ثاقب از غیبت شیخ طوسی رحمته الله روایت است که گفت: ذکر نمودیم قائم علیه السلام و کسی که مرد از اصحاب ما، که انتظار او را می کشید. پس حضرت صادق علیه السلام ما که: چون حضرت قائم علیه السلام کند کسی بر سر قبر مؤمن می آید، پس به او می گوید که ای فلان، بدرستی که ظاهر شد صاحب تو، پس اگر خواهی که ملحت شود و اگر می خواهی که اقامت کنی در نعمت پروردگار خود پس اقامت داشته باش.

مؤلف گوید از این حدیث ظاهر می شود که این مطلب که زنده شدن در زمان ظهور آن بزرگوار باشد،

یکی از جمله فوائد انتظار است، چنانچه این فائده در دعای برای آن حضرت نیز وارد شده.

و از ابی حمزه روایت است که گفت به حضرت صادق علیه السلام کردم: فدایت شوم، پیر و بی قوه شده ام و اجلم نزدیک شده است و می ترسم پیش از وقوع امر فرج شما بمیرم. فرمودند: ای ابا حمزه، هر کسی که ایمان بیاورد به ما و تصدیق کند حدیث ما را و منتظر زمان فرج ما باشد، مثل کسی می ماند که در زیر علم حضرت قائم علیه السلام باشد، بلکه ثواب کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول صلی و شهید صلوات الله علیهم شده باشد.

و در حدیث دیگر از آن حضرت مروی است که فرمود: هر کس از شماها بمیرد در حالتی که انتظار

فرج را داشته باشد افضل است نزد حق تعالی از بسیاری از شهیدان بدر واحد.

و در برهان از مسعده روایت شده که گفت: در محضر مبارک حضرت صادق علیه السلام پیرمرد

منحنی وارد شد، در حالتی که به عصای خود تکیه نموده بود. پس سلام کرد و حضرت جواب سلامش را دادند.

آنگاه عرض کرد: یا ابن رسول الله صلی و سلم صلوات الله علیهم با خدا و با ملائکة و بوسلم حضرت دست خود را دادند

و بوسید. آنگاه شروع کرد به گریه کردن. حضرت فرمودند: ای شیخ چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: فدایت

شوم، بقدر صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما گذشته، هر ماهی نو می شود، می گویم در این ماه

ظاهر می شود، و هر سالی تازه می شود، می گویم در این سال واقع می شود. اکنون پیر و ناتوان شده ام

و اجلم فرا رسیده و هنوز به مراد دل خود نرسیده ام و ظهور فرج شما را ندیده ام.^(۱)

پس چرا گریه نکنم و حال آنکه، بعضی شما را پراکنده در اطراف زمین، و بعضی را کشته به ظلم اعدای

دین می بینم.

پس حضرت صادق علیه السلام شدند و فرمودند که: ای شیخ، اگر زنده ماندی تا زمانی که ببینی قائم ما

را، می باشی در مقام رفیع بسیار عالی، و اگر پیش از ظهور حضرت او در انتظارش مردی، پس در روز

قیامت در زمره آل محمد صلوات الله علیهم محشور خواهد شد، و آنها مائیم که امر به تمسک به ما نموده، در آنجا که فرمود:

«انی مخلف فیکم الثقلین فتمسکوا بهما لن تضلوا کتاب الله وعترتی اهل بیتی.» یعنی بدرستی که من دو چیز بزرگ عالی مقام در میان شما می گذارم، پس متوسل به آنها بشوید تا هیچ وقت گمراه نگردید، یکی کتاب خدا قرآن، و دیگری عترت من که اهل بیت منند.

آن پیرمرد چون این بشارت عظمی را شنید، جزع و گویه اش ساکن گردید و گفت: مرا با وجود این بشارت باکی از مرگ نیست. آن گاه حضرت صادق علیه السلام: ای شیخ، بدان که قائم ما بیرون می آید از صلب حضرت امام حسن عسکری، و امام حسن عسکری بیرون می آید از صلب امام علی النقی، و علی بیرون می آید از صلب امام محمد نقی، و محمد بیرون می آید از صلب حضرت علی بن موسی، و علی بیرون می آید از صلب حضرت موسی که پسر من است و او از صلب من خارج گردیده، ما دوازده نفریم که تمام ما معصوم و پاکیزه از هر گناه و کتافتی می باشیم.

تنبیه (یاد آوری): اختلافی که در ثواب انتظار در بعض اخبار مشاهیر ده می شود، باعتبار اختلاف

منتظرین است در درجات معرفت و تقوی و انتظار، البته هر کس اکمل است ثوابش هم اکمل است.

واجب بودن انتظار

در بیان واجب بودن انتظار ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و شرط بودن او در قبول اعمال . در اصول کافی از اسمعیل جعفی روایت است که گفت: شخصی وارد شد بر حضرت امام محمد باقر علیه السلام و صحیفه ای بود، حضرت به او فرمودند:

این صحیفه مخاصم است که سؤال نمود از آن دینی که بواسطه آن اعمال انسان به درجه قبول می رسد؟ عرض کرد: بلی، خدا شما را رحمت کند، مراد من همین است . حضرت فرمود : آن دینی که بسبب آن اعمال قبول می شود این است:

شهادت به یگانگی خدا و اینکه شریک ندارد، و شهادت به رسالت خاتم انبیاء محمد صلی و سلمه و آله و صحبه به صلی و سلمه و آله و صحبه حقیقت تمام آنچه خبر داده از جانب حضرت حق تعالی، و دوستی با ما اهل بیت، و بیزاری از دشمنان ما، و فرمان بردار بودن از برای امر ما، و پرهیزگاری از گناهان، و تواضع و انتظار داشتن از برای ظهور قائم ما، بدرستی که از برای ما دولتی است که هر وقت خدا بخواهد آن را ظاهر می گرداند.

و در غیبت شیخ نعمانی از ابی بصیر روایت است که : روزی حضرت صادق علیه السلام : می خواهید شما ها را خبر بدهم به آن چیزی که حق تعالی با نبودن آن هیچ عملی را از بندگان قبول نمی فرماید.

گفتم: بلی. فرمود: آن شهادت به یگانگی خدا است، و آن که حضرت محمد صلی و سلمه و آله و صحبه اوست، اقرار به آنچه خدا امر فرموده به آن، و دوستی از برای ما، و بیزاری از دشمنان ما (یعنی دشمنان ائمه)، و فرمان بردار بودن از برای ائمه اطهار علیهم السلام گاری از گناهان، و کوشش نمودن در اطاعت خدا (یعنی در ادای واجبات شرعیه).

و یقین داشته (یعنی در امر اصول دین و حقیقت امر ائمه طاهرین)، و انتظار داشتن از برای ظهور حضرت قائم علیه السلام فرمودند که: از برای ما دولتی هست که ظاهر می گرداند آن را حق تعالی هر وقت که بخواهد.

و در کمال الدین از حضرت عبد العظیم روایت است که فرمود: وارد شدم به محضر سید خود حضرت امام محمد تقی علیه السلام داشتم که سؤال نمائیم از آن جناب از قائم که همان است مهدی یا غیر اوست . پس حضرت پیش از سؤال کردن من به اعجاز فرمودند:

ای ابا القاسم، بدرستی که قائم از ما همان مهدی است، که واجب است انتظار او را داشتن در زمان غائب بودن او، و واجب است اطاعت و پیروی او در زمان ظهور او، و او سومی از اولاد من است. و شیخ صدوق در کمال الدین به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام فرموده که فرمود: نزدیک ترین حالات بندگان خدا به خدا، که در آن حال از آنها خشنودتر از هر زمانی است، آن وقتی است که امام آنها غائب و از نظر آنها پنهان می باشد و مکان او را نمی دانند، و با وجود این یقین دارند که حجت الهیه موجود است.

پس در آن زمان باید هر صبح و شام منتظر فرج باشند. مولف گوید: هر صبح و شام کنایه است از استمرار رو دوام یعنی در هیچ حالی و در هیچ وقتی و در هیچ ماه و سالی نباید مایوس از ظهور امام علیه السلام که هر چه غیبت آن حضرت طولانی تر می شود باید امیدشان بوجود مبارک او محکم تر و ثابت تر بشود، زیرا که خود این طول غیبت از امور غیبیه ئی است که ائمه ما علیهم السلام وقوع آن خبر داده اند.

| | |
|---------------------------------|------------------------------|
| هر دم در انتظار تو عمرم گذر کند | آن دگر امید مرا بیشتر کند |
| نوعی ات ر نموده به قلبم جدائیت | کاندر رگی ضعیف اثر نیشتر کند |

معنای انتظار

در بیان معنی انتظار و مقدار واجب از آن به نحو اختصار. بدان که: اصل انتظار امری است قلبی که ظاهر و منبعث می شود از آن امور بدنیه بسیار، که متفاوت است به حسب تفاوت درجات انتظار.

اما قدر واجب از انتظار قلبی از برای ظهور آن بزرگوار، بر حسب آنچه ظاهر می شود از اخبار، این است که مؤمن باید یقین داشته باشد به اینکه حضرت قائم علیه السلام دوازدهم است و فرزند صلیبی بلا واسطه حضرت امام حسن عسکری است، از روزی که متولد شده تا کنون زنده است، و به همین بدن عنصری باقی است، و در همین عالم است و نمرده است و نخواهد مرد تا اینکه ظاهر شود به همین بدن، و در همین عالم سلطنت کند، و عالم را پر از عدل نماید و دین اسلام را در تمام عالم رواج دهد، و ظهور را و وقت معینی ندارد که خلائق بدانند، بلکه احتمال دارد در همین سال واقع شود، و احتمال دارد سالهای بسیار دیگر تاخیر بیفتد.

و باید مؤمن در هیچ حالی از حالها و هیچ سالی از سالها نا امید نباشد از وقوع ظهور آن جناب، بلکه باید همیشه اوقات و تمامی سنوات امیدوار به ظهور موفور السرور آن بزرگوار باشد.

پس اینکه بعضی از نادانها به حسب خیالات و حدسیات می گویند حالاها امام ظاهر نمی شود، یا تا صد سال دیگر هم مثلا ظاهر نمی شود، خطاء و اشتباه است و خلاف دستور العمل منقول از ائمه اطهار است، بلکه در اخبار متعدده تصریح فرموده اند که ظهور آن حضرت بگفته واقع می شود، و علامات حتمیه ظهور مثل خروج سفیانی و صیحه آسمانی و قتل نفس زکیه همه در یک سال نزدیک بهم واقع می شود، چنانچه مشروحا در مکیال المکارم ذکر نموده ام با شواهد دیگر، پس ممکن است که در همین سال ظهور واقع شود، و ممکن است که سالهای بسیار دیگر هم تاخیر بیفتد، و مؤمن نباید هیچ وقت نا امید باشد.

و همچنین جزم و حکم به اینکه تا فلان وقت یا فلان سال ظهور واقع می شود، آن هم خطاء و اشتباه است، بلکه در روایات متعدده معتبره امر فرموده اند که هر کس تعیین وقت نماید از برای ظهور حضرت قائم علیه السلام کذب نمائید، زیرا که علم به آن مخصوص به خداوند عالمیان جل شانہ است.

انتظار واجب بدنی

و اما قدر واجب از انتظار بدنی که منبعت از آن انتظار قلبی می شود، این است که مؤمن از معاصی و گناهان اجتناب نماید، و صفات بدرا از خود دور نماید، تا اینکه اگر درک نمود زمان ظهور آن حضرت را، مورد مرحمت و احسان آن جناب باشد، و آن حضرت از او خشنود باشند نه دل آزرده. چنانچه در روایت ابی بصیر است که حضرت صادق علیه السلام: هر کس دوست می دارد که از اصحاب حضرت قائم علیه السلام دید انتظار ظهور آن حضرت را داشته باشد، و عمل او بر طبق ورع و پرهیزگاری باشد، و خود را بصفات خوب و اخلاق حمیده متصف نماید، در حالتی که منتظر ظهور آن حضرت است.

پس چنین کسی اگر از دنیا برود و ظهور حضرت قائم علیه السلام واقع شود، ثواب کسی را دارد که درک فیض حضور آن جناب را نموده باشد و از یاران و اصحاب او باشد. پس سعی کنید در پرهیزگاری و طاعت، و منتظر ظهور امام قائم علیه السلام و در توقیع مروی از آن جناب در بحار و احتجاج می فرماید که: باید هر یک از شماها کاری بکند و نوعی رفتار نماید که به محبت ما نزدیک شود، و احتراز کند و پرهیز نماید از عملی که او را بغضب ما نزدیک می کند. الخ.

انتظار قلبی کامل

و اما انتظار قلبی کامل، پس به این حاصل می شود که شخص مؤمن در هیچ حالی از حالات و هیچ وقتی از اوقات و هیچ مکانی از مکانها از یاد امامش و انتظار قدوم مبارکش خالی و فارغ نباشد، بلکه اگر در مجالس و محافل مردم هم حاضر می شود و با اهل عالم گفتگو می کند، قلبش پیش امام **علیه السلام** به انتظار او و خیال او و شوق وصال او باشد.

مثل شخصی که اولادش منحصر باشد بیک نفر، و آن یک نفر هم به جمیع کمالات آراسته باشد، و وجودش انواع و اقسام فوائد و منافع از برای این شخص داشته باشد، و به سفری رفته باشد و این پدر از جا و منزل او خبر نداشته باشد، تصور کن، آیا یک ساعت از خیال او بیرون می رود، یا آنکه از جستجوی او تغافل می کند؟

حاشا و کلا، بلکه شب و روز، بلکه در تمام ساعات و حالات و حرکات و سکنتات، محبوب او پیش نظر او ممثل است، چنانچه شاعر گفته:

ای غایب از دودیده چنان در دل منی کز لب گشودنت به من آواز می رسد

و چون مؤمن محبتش به امام زمان به این درجه رسید ایمانش کامل می شود، چنانچه در حدیث نبوی در دار السلام و غیره مروی است که فرمودند: مؤمن ایمانش کامل نمی شود مگر وقتی که من در نزد او از خودش عزیزتر باشم، و اولاد من در نزد او از اولاد خودش عزیزتر باشد، و اهل من نزد او عزیزتر از اهل خودش باشند، و امور متعلقه به من نزد او اهم از امور متعلقه به خود او باشد. و همین که انتظار قلبی به این درجه از کمال رسید، آثار ظاهریه او هم به درجه کمال می رسد.

درجه کامل انتظار

در بیان علامات و آثار درجه کامله انتظار بنحو اختصار. و آن دوازده چیز است:

اول: آن که شخص منتظر دائماً محزون و غمگین است در زمان فراق محبوب خود، چنانچه از حضرت رضا علیه السلام نقل حال مؤمنین در زمان غایب بودن امام زمان روایت شده، و علاوه بر این، جهات دیگر هم از برای مغموم بودن مؤمن در زمان غیبت موجود است، مثل ضعف اهل اسلام و غلبه معاندین و مخفی بودن احکام واقعی و خارج بودن سلطنت ظاهریه از دست امام زمان و غیر اینها، که تمامش انشاء الله رفع می شود به ظهور آن حضرت (عجل الله فرجه).

دوم: گریان بودن در انتظار آن حضرت، چنانچه از حضرت صادق علیه السلام نقل شده.

سوم: همیشه به یاد آن حضرت بودن و آنی خود را از ذکر و فکر او فارغ نگذاشتن.

چهارم: از اهل دنیا کناره کردن و ترک معاشرت، مگر بقدر حاجت و ضرورت.

پنجم: در غالب اوقات و مظان اجابت به آن جناب دعا کردن و طلب فرج و ظهورش را از حق تعالی نمودن.

ششم: مؤمنین را ترغیب و تحریص نمودن به این دعا و التماس آن را از ایشان نمودن. بلکه شخص منتظر

حقیقی، به هر وسیله ای که احتمال بدهد نزدیک شدن وصال محبوب خود را، البته در تحصیل آن سعی و اقدام می نماید.

هفتم: آن که هر چه غایب بودن او طولانی تر می شود، شوق شخص منتظر شدیدتر و زیادتر می شود.

هشتم: آن که در انتظار محبوب خود صبر بر شدتها و سختیها نماید، و آنها را در جنب این امر بزرگ

سهل و سبک شمارد. در خرایج از حضرت رسول صلی ویرولیم ﷺ که به اطحاب خود فرمود: می آیند

گروهی بعد از شما که هر یک نفر از آنها ثوابش معادل ثواب پنجاه نفر از شما است. گفتند: یا رسول الله

صلی و سلمع ﷺ بولیم در جنگ واحد، و قرآن در تعریف ما نازل شد.

فرمودند که: شما به مشقتهايي که آنها مبتلا مي شوند مبتلي نشديد، و به اندازه اي که آنها صبر مي کنند، صبر نموديد. مولف گويد که: از براي مؤمن هيچ ابتلاء و شدتي عظيم تر از مفارقت و غايب بودن امام او نيست، و از همين جهت است افضليت مؤمنين اين زمان از مؤمنين زمانهاي قبل.

نهم: آن که همين که شخص منتظر به حد کمال رسيد، شدائد و سختيهايي که در انتظار بر او وارد مي شود، از آنها لذت مي برد، و به سبب آن شوقي که به لقاي محبوب دارد احساس به آن المها نمي کند:

لذت ديواندگي درسنگ طفلان خوردن است حيف از آن اوقات مجنون راکه درهامون گذشت

دهم: آن که چون انتظار و مقام محبت شديد، خواب و خوراک شخص کم مي شود، بلکه کار به جايي مي رسد که التفات به هيچ چيز را مورد راجعه به خود نمي کند، و از خود بي خود مي شود، چنانچه اين حال از براي ائمه ما عليهم السلام تماز اتفاق مي افتاد.

يازدهم: آن که چون انتظار کامل شد، شخص از هيچ چيز دنيا لذت نمي برد، بلکه لذت او منحصر است فقط در ذکر محبوب و معشوقی که دارد. شيخ سعدی:

گر مرا هيچ نباشد نه به دنيا نه به عقبی چون تو دارم همه دارم دگرم هيچ نبايد

و بسط کلام در هر يک از اين مقامات منافي با اختصار است.

دوازدهم: از علامات انتظار، مهيا بودن از براي ورود محبوب است، و مهيا بودن از براي ظهور حضرت صاحب الامر عليه السلام چندان چيز حاصل مي شود:

اول: عزم حقيقي بر ياري و متابعه آن جناب.

دوم: اينکه شخص خود را به صفات نيکو متصف نمايد، و صفات ذميمه که مبعوض اوست از خود دور نمايد. آئينه شو جمال پري طلعتان طلب جاروب کن تو خانه و پس ميهمان طلب

سوم: مواظبت در طاعات و عبادات واجبه و مستحبه و ترک محرمات و مکروهات شرعيه.

چهارم: مهيا نمودن اسلحه.

پنجم: مرابطه، به نحوی که در کتاب وظيفه الانام ذکر نموده ام.

ششم: مواظبت در خواندن دعای عهد نامه کوچک و بزرگ که در وظیفه الانام نقل نموده ام و در کتاب زاد المعاد هم مذکور است. تمام شد کتاب نور الابصار فی فضیله الانتظار.

کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم

بسم الله الرحمن الرحيم وهو حسبي

«الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى محمد وآله سادات الوری، ولعنه الله على اعدائهم الى يوم الجزاء.»

اما بعد بنده شرمنده جانی محمد تقی ابن عبد الرزاق الم وسوی الاصفهانی عفی الله تعالی عنهما به عرض

برادران ایمانی می رساند که: چون از جمله مهمات خاصه در این اوقات، اهتمام نمودن در دعا گوئی به

وجود مبارک اعلی حضرت اشرف ارفع امجد اقدس خاتم الوصیین و مجمع کمالات الائمه الراشدین مولانا

حجه بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن

ابی طالب علیهم الصلوه والسلام، و مستلت نمودن تعجیل در فرج و ظهور آن جناب است از حضرت واجب

الوجود جل شانہ، و این مطلبی است که ائمه اطهار علیهم السلام^{علیهم السلام} کلام در آن داشته اند، و بسیاری از دعاها

آنها مشتمل است بر دعای به وجود مبارک آن حضرت، و طلب فرج آن جناب را از حق تعالی نمودن،

و بسیاری از ادعیه آنها مخصوصا

برای آن بزرگوار بوده و علمای امامیه رحمهم الله^{علیهم السلام} قدیمه و حدیثه خود روایت فرموده اند، و حقیر بعض

آنها را در ابواب الجنات و مکیال المکارم روایت کرده ام.

از برای این امر فوائد و خواص کثیره دنیویه و اخروییه از آیات و روایات مستفاد می شود، و آنچه این اقل

عباد جمع نموده ام زیاده بر صد فائده است، که کتاب مکیال المکارم را به جهت آن وضع و تالیف نموده ام،

و چون آن کتاب عربی است و عوام را از آن بهره نیست، لهذا عازم شدم بر آن که مختصرا اکثر آن فوائد را

به لغت فارسی جمع نمایم، محض خدمتگزاری به آن بزرگوار و به برادران ایمانی که از این فوائد محروم

نمانند.

و نامیدم این مختصر را به کتاب کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم، و مشتمل است بر یک مقدمه و

هشت مطلب وی ک خاتمه. اما مقدمه در بیان امری چند که لازم است تنبیه بر آن،

مطلب اول: در بیان اینکه افضل اعمال ادای حق مؤمن است، و اشاره به آن که حقوق آن جناب زیادتر و عظیم تر است از حق هر مؤمنی بر ما.

مطلب دوم: در اینکه یکی از اقسام ادای حق آن حضرت دعاء کردن به آن جناب، و مسئلت نمودن آن جناب، و احتیاج ما در اصلاح امور خود به آن بزرگوار.

مطلب سوم: در بیان اهتمام ائمه اطهار علیهم‌السلام در حق آن جناب و طلب کردن فرج و ظهور او از حضرت رب الارباب.

مطلب چهارم: در بیان سر زیادتی اهتمام ایشان به این مطلب، و آن که هر قدر محبت شخص به آن جناب بیشتر است، اهتمامش در دعای به آن حضرت بیشتر است.

مطلب پنجم: در بیان جمله ای از فواید و منافع دنیوی که حاصل می شود برای مؤمن، به برکت دعای به آن جناب و طلب فرج و ظهور آن حضرت را از حق تعالی نمودن.

مطلب ششم: در بیان جمله ای از فواید و منافع اخروی که این عمل شریف.

مطلب هفتم: در بیان اوقاتی که اهتمام به این امر بیش از وقتیهای دیگر است.

مطلب هشتم: در نقل بعضی از دعاهاى مرویه از ائمه معصومین علیهم‌السلام حضرت صاحب الزمان روحی وارواح العالمین فداه.

بدان که در جمله ای از اخبار مرویه از ائمه اطهار علیهم‌السلام است از تعجیل نمودن در امر ظهور حضرت صاحب الامر علیه‌السلام اند که عجله کردن در این مطلب سبب هلاک شخص می شود (مراد از هلاک کفر و خروج از ایمان است که سبب هلاکت می شود)، و این روایات منافاتی ندارد با اخبار متعدده که امر فرموده اند به طلب تعجیل در فرج و ظهور ایشان از خداوند عالمیان جل شانیه.

و بیان مختصر نزدیک به فهم عوام در تحقیق این مقام این است که: عجله ای که مذمت آن در اخبار وارد شده و موجب هلاک انسان و ضرر و خسران او می شود در امر ظهور آن حضرت، بر سه قسم است: اول: عجله ای که سبب ناامیدی از فرج و ظهور آن حضرت شود، یعنی به جهت کم طاقتی و کم صبری تعجیل کند و بگوید: اگر شدنی بود تا حال باید شده باشد. و این حرف آخر کار (نعوذ بالله) راجع می شود به انکار ظهور قائم منتظر علیه‌السلام.

دوم: عجله ای که منافی با تسلیم و رضای به امر خداوند جل شانیه باشد، که بگوید: چرا ظاهر نمی شود و برای کی گذاشته؟ و برگشت این اعتراض بر خداوند عز وجل است، و چنین کسی تابع شیطان است که ایراد به خدا گرفت، بلکه باید شخص دعاء بکند و اگر هم حق تعالی تاخیر در اجابت فرمود، آن را مطابق حکمت بداند.

سوم: عجله کردن که سبب متابعت و پیروی نمودن مدعیان کذب و داعیان باطل شود. چون تعجیل دارد و کم طاقت است، پیش از ظاهر شدن علامتهای حتمیه و آثار مرویه از ائمه علیهم‌السلام باطل اعتماد می کند و به محض خیال و شبهه و تاویل، ارادت به شیطانهای بصورت انسان پیدا می کند، به امید آن که موعود منتظر باشد، چنانچه بسیاری مردم به این سبب هلاک شدند (یعنی از دین برگشتند)، با وجود آن که از برای امام علیه‌السلام مخصوصه قطعیه هست مطابق عقل و نقل، که تا آنها در او یافت نشود نباید اعتماد نمود:

یکی آن که باید هیچ وقت از او معصیتی صادر نشده باشد، دیگر آن که بشخصه و نسبه معروف باشد، دیگر آن که عالم به جمیع احکام الهیه و جمیع لغات باشد، و در هیچ مسئله عاجز نشود، و محتاج به پرسیدن از غیر و دیدن در کتاب نباشد، دیگر آن که معجزه از او صادر شود، یعنی کاری که از هیچ کس مثل آن صادر نشود، مثل تکلم کردن درختها و حیوانات با او و زنده شدن مرده به دعای او و نسوزانیدن آتش بدن او را و امثال اینها، که مکرر از ائمه اطهار صادر می شد، و اگر چنین نباشد با دیگران فرقی ندارد.

و در غیبت نعمانی^(۲) از حضرت صادق علیه السلام است که فرمودند: هر گاه کسی ادعای قائم بودن کرد، از او بطلبید امور عظیمه ای را که غیر امام کسی از عهده آنها بر نمی آید. و دیگر آن که مبین احکام دین خاتم انبیاء صلی و سلم علیه و آله است که چیرگی و پیروی خود جعل و اختراع نماید.

و غیر اینها از اموری که در این مختصر گنجایش ندارد. و از برای وجود مبارک امام زمان ما عجل الله تعالی فرجه و ظهور را و بخصوص علامتها و خصوصیتهای چندی تعیین شده، که برای هیچ کس پنهان نماند و اسباب شبهه نشود، و جمیع عالمیان با اختلاف زبانها بر آن مطلع شروند. و این عاصی بعضی از آنها را در کتاب وظیفه الانام ضبط نموده ام، و علمای سابقین مانند شیخ نعمانی و صدوق و مجلسی و غیر اینها رحمهم الله تعالی در کتابهای خود جمع فرموده اند.

در خانه اگر کس است یک حرف بس است

ادای حق مؤمن

بدان که در کتاب اصول کافی به سند صحیح از حضرت صادق علیه‌السلام آمده که فرمودند : عبادت کرده نشده است خداوند عالم جل شانہ به چیزی که افضل باشد از اداء نمودن حق مؤمن.

و در احتجاج از حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام آمده که فرمود: هر کس معرفتش به حقوق اخوان مؤمنین بیشتر است و ادای حقوق آنها را نیکوتر می کند، شان او نزد حق تعالی عظیم تر است. چون دانستی این مطلب را پس بدان که در جمیع اهل عالم هیچ کس حقوقش بر تو بیشتر نیست از امام زمان تو علیه‌السلام مقتضای احادیث کثیره قطعیه، هستی تو و بقای تو و سکون و آرام تو در این عالم، و تمام نعم‌تهائی که به تو می رسد، و روزی بی که می خوری و آبی که می آشامی، به برکت وجود مبارک است، و آنچه هست از منافع ذات مقدس اوست، مانند آفتاب وقتی که زیر ابر پنهان باشد هر چند دیده نمی شود لکن تمام عالم از نور او روشن است و فواید او به همه چیز می رسد: ^(۳)

اگر نبودن زمین وجود اقدس او بیا نبود نه ارض و سماء نه ماه و نه سال

و این عاصی جمله ای از حقوق آن جناب را با دلیل و برهان در باب سوم مکیال المکارم ذکر نموده ام .

و اعظم تمام حقوق حق امام علیه‌السلام است، چنانچه در روضه کافی حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام مروی است که فرمودند:

بزرگترین حق هائی که حق تعالی واجب فرموده است حق والی است (یعنی امام بر رعیت). و چون این مطلب واضح شد، بدان که ما هر قدر سعی کنیم نمی توانیم حق آن حضرت را چنانچه باید و شاید اداء کنیم، پس باید از آنچه می توانیم کوتاهی ننمائیم، زیرا که در روز قیامت به مقتضای آیات و روایات، این مطلب از جمله اموری است که از هر کسی پرسش و مواخذة خواهد شد.

چنانچه در تفسیر آیه شریفه ﴿ثُمَّ لِنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ روایت شده. و طریق اداء نمودن حق آن حضرت اهتمام در اطاعت و فرمانبرداری اوست بعد از معرفت به او و صلوات الله علیه، زیرا که او صاحب امر است بر ما و حق تعالی فرموده:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ﴾. یعنی: ای مؤمنها فرمانبرداری نمائید خدا را، و فرمانبرداری نمائید پیغمبر او را، و فرمانبرداری نمائید صاحبان امر ز خود را. که مقصود وجود مبارک امام زمان **علیه السلام** [فرفر آباء طاهرین اویند. و از جمله فرمانهای مطاعه او، که در توقیع شریف مروی در کمال الدین و احتجاج و بحار ذکر شده این است : «**واكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم**». یعنی: بسیار دعاء کنید و از حق تعالی سؤال نمائید تعجیل در فرج مرا، زیرا که این فرج و گشایش کار شماها است.

پس باید هر مؤمنی کمال اهتمام در انجام این فرمایش مطاع داشته باشد، خصوصا به ملاحظه آن که جمیع جهاتی که مقتضی دعاء نمودن در حق کسی می شود، در وجود اقدس آن حضرت جمع است ، چنانچه این احقر آنها را مفصلا به ترتیب حروف الفبا در باب چهارم مکیال المکارم جمع نموده ام.

تحقیق در امر دعا

چون دانستی که یکی از اقسام ادای حق آن جناب دعای به آن حضرت و سؤال نمودن تعجیل در فرج و ظهور اوست از حق تعالی شانه، بدان که منافاتی نیست در این مطلب با آن که ماها در جمیع امور احتیاج به آن جناب داریم، و آن بزرگوار واسطه در تمام فیوضات است، و بزرگ تر شاهد بر این مدعی، امر فرمودن خود آن حضرت است ما را به این دعاء. و تقریر مطلب را به چند وجه می توان نمود:

اول: آن که با وجود آن که حضرت ایشان کامل در تمام صفات و وسیله جمیع فیوضات هستند، لکن به مقتضای بشریت، بعضی اموری که لازمه بشریت است، از قبیل هم و غم و محنت و الم و ابتلاء و مرض، بر ایشان عارض می شود، و حق تعالی برای دفع این امور اسبابی قرار داده که یکی از آنها دعاء است، و لهذا خودشان دعاء می کردند، بلکه دیگران را امر به دعای در حق ایشان می فرمودند. پس ما هم به مقتضای محبت به آن جناب، باید دعای به آن وجود مبارک را، از اهم امور لازمه خود قرار دهیم، و این اصلاً منافاتی با رفعت مقام آنها نداشته و ندارد.

دوم: آن که به مقتضای حدیث مروی در کتاب غیبت شیخ نعمانی رحمتهما الله تعالی امیر المؤمنین علیهما السلام و توقیع مروی در احتجاج، یک سبب غایب شدن امام زمان ما علیهما السلام لمعصیتها می است. پس چون مانع ظهور آن جناب از جانب ماها است، ماها باید اقدام در رفع مانع بکنیم، به توبه کردن و اهتمام در دعاء و طلب ظهور و فرج برای آن جناب نمودن.

سوم: آن که دعاء به منزله هدیه است، و هدیه بردن برای کسی دلیل حاجت آن شخص بزرگ نیست، بلکه علامت احتیاج آن هدیه برنده و محبت اوست به آن شخصی که برای او هدیه می برد. و تفصیل این امور را با بعضی وجوه دیگر در باب پنجم مکیال المکارم ذکر نموده ام.

دعای ائمه

پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمه طاهرین علیهم‌السلام کند اینک، چقدر اهتمام در امر دعاء نمودن به حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام فرج آن جناب از خداوند عالمیان جل شانہ داشته و دارند، و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدعی آگاه شوی، ملاحظه کن دعای حضرت امیر علیه‌السلام طلمن حدیث مروی در غیبت نعمانی.

و دعای حضرت سید الساجدین علیه‌السلام روز عرفه در حیفه و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در جمال الاسبوع، و دعای حضرت صادق علیه‌السلام حضرت بعد از نماز ظهر مروی در فلاح السائل و بحار، و دعای آن حضرت را صبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در اقبال، و دعای حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام نماز عصر مروی در فلاح السائل، و دعای حضرت امام رضا علیه‌السلام در جمال الاسبوع، و دعای امام محمد تقی علیه‌السلام در کافی، و دعای امام حسن عسکری علیه‌السلام مروی در مهج الدعوات و دعای مروی از خود آن جناب مروی در کمال الدین، و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در جمال الاسبوع، و دعای بعد از دو رکعت اولی نماز نافله شب مروی در مصباح المتعجد و مفتاح الفلاح، و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة، و دعای صبحهای روزهای جمعه، و دعای بعد از نمازهای فریضه، و دعای وقت رفتن به مسجد در روز جمعه و دعای افتتاح، و غیر اینها که ذکرش موجب طول است، بلکه از عبارت دعای روز عرفه و روایت مرویه در جمال الاسبوع در باب قنوت روز جمعه، و بعضی ادله دیگر ظاهر می شود که مؤمن هر دعائی که می نماید، باید ابتداء کند به دعای از برای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و ظهوره.

و چون در این رساله بنا بر اختصار است به همین مقدار اقتصار می نمایم. و شیخ جلیل محمد بن ابراهیم نعمانی رحمه‌الله از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: در روزهای جمعه گذاشته می شود از برای حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم‌السلام عرض حق تعالی منبرهایی از نور، پس بر آن منبرها بالا می روند، و جمع می شوند نزد آنها ملائکه و ارواح

پیغمبران و مؤمنان، و گشوده می شود درهای آسمان، پس چون وقت ظهر جمعه می شود آن حضرت دعاء می کنند که: خدا یا نزدیک گردان آن وعده ای را که در کتاب خود در این آیه شریفه داده ای: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ ﴿تأخر آیه﴾ (یعنی وعده داده است خدای تعالی به کسانی که ایمان آورده اند و عمل نیکو می کنند اینکه آنها را جانشینان نماید در زمین) و این وعده ظهور و استیلای امام زمان علیه السلام حقه و دولت منتظره ائمه اطهار است در آخر الزمان.

پس ملائکه و پیغمبران نیز مثل این دعاء می کنند، آن گاه حضرت رسول و امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نمایند و می گویند: خدایا غضب نمای بر کسانی که هتک حرمت تو را نمودند، و بنده های پسندیده تو را کشتند و بندگان نیکوکار تو را خوار کردند. پس تقدیر می فرماید خدا آنچه را می خواهد، و این در روزی است که معلوم است نزد خداوند جل شانیه.

حقیر گوید: مرا در زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر علیه السلام آنچه در روایات دیگر تصریح شده، و اگر کسی توهم کند که البته دعاهای آن بزرگواران مستجاب است، پس چرا این قدر ظهور آن جناب عقب افتاده؟ می گوئیم: ماها آگاه نیستیم به وقت ظهور آن حضرت که چه زمان است، پس چه استبعاد دارد که حق تعالی شانه مقدر فرموده باشد ظهور آن جناب را در زمان بسیار دوری، اگر حضرت پیغمبر و ائمه و ملائکه و انبیاء و مؤمنین دعاء نکنند به جهت تعجیل در ظهور آن حضرت.

و در زمانی نزدیکتر مقدر فرموده ظهور این امر را اگر اهتمام در این دعاء بنمایند، لکن هنوز آن زمان نزدیکتر نرسیده است و جوابهای دیگر هم از این توهم داده ام، در مکیال المکارم مذکور است . و در روایتی وارد است که از زمانی که حق تعالی مستجاب فرمود دعای موسی و هارون را، تا زمانی که ه بر فرعونیان غلبه کردند چهل سال طول کشید، پس مؤمن باید صبر نماید و از دعاء کردن خسته نشود.

سر اهتمام ائمه در دعا برای ظهور امام زمان

در بیان سر زیادتی اهتمام ائمه طاهرين عليهم السلام به حضرت صاحب الزمان و طلب فرج و ظهور آن جناب را از خداوند عالميان، و در اين مختصر به يك وجه اكتفاء مي نمايم: بدان كه دعاء كردن به كسي، فرع محبت به آن كس است، و اعظم اسباب محبت و دوستي آن است كه شخص وجود كسي را خير بداند، كه بودن خير در وجود هر كسي مقتضي و موجب محبت اوست.

پس هر قدر معرفت شخص انساني به وجود خير در وجود كسي كاملتر شد محبتش به او كاملتر مي شود، و هر قدر محبتش كاملتر شد تعلقش در دعای به وجود او كاملتر و زيادتر مي شود، و واضح است كه حقيقت معرفت و شناسائي به وجود مبارك حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و خيرات وجود اقدس او به نحو اكمل، براي هيچ كس ممكن و ميسر نيست، مگر حضرت رسول الله و ائمه طاهرين صلی الله عليه و عليهم.

زيرا كه آنها از شجره طيبه واحده مي باشند، و كسي ديگر از مخلوقات نمي تواند احاطه به شئون آنها نمايد، لهذا محبت آنها هم به آن جناب اكمل و اعظم محبتها است. و همين كافي است از براي شدت اهتمامشان به دعای به وجود مبارك او، و طلب فتح و نصرت و فرج از براي او.

و از اين بيان ظاهر شد نکته فرمايش حضرت صادق عليه السلام يتي كه شيخ نعماني رحمه الله عليه غيبت روايت کرده كه فرمود: اگر من درك مي نمودم زمان حضرت قائم عليه السلام رانده بودم خدمت او را مي نمودم. و همچنين مؤمنين هر کدام كه معرفتشان به آن حضرت و خيرات وجود مبارك او كاملتر است، محبتشان هم كاملتر است، و هر چه محبتشان كاملتر باشد، اهتمامشان در دعا گوئی به آن حضرت كاملتر و زيادتر است.

| | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| يا رب آن طلعت زيبا ز پس پرده غيب | آنچه مانع ز ظهورش شده از جا برد |
| دشمنانش همه تن ها ز روان خالی ساز | تو برون آور وما را به لقائش برسان |
| و آنچه اسباب ظهور است برايش برسان | دوستانش همه را بوسه به پائش برسان |

منافع دنیوی دعا

در بیان فوائد و منافع دنیویه که حاصل می شود به دعاء نمودن از برای آن حضرت، و طلب فرج و ظهور را و **علیهاالسلام** ایجا به ذکر ده فائده اکتفا می کنم:

اول: آن که موجب طول عمر می شود. زیرا که دعای به آن حضرت صله رحم پیغمبر **صلی و آله و سلم** و تفسیر امام حسن عسکری **علیهالکرام** موده که: صله رحم پیغمبر **صلی و آله و سلم** و جبرئیل است در صله رحم خود شخص.

بنابر این فوائدی که مترتب می شود بر صله رحم خود شخص به طریق اولی و نحو اکمل مترتب می شود به صله نمودن رحم پیغمبر **صلی و آله و سلم** آنها **صلی و آله و سلم** در کافی از حضرت امام محمد باقر **علیهالسلام** است که فرمود: صله رحم کردن اعمال را پاکیزه می کند و بلاء را دفع می کند و باعث آسانی حساب قیامت می شود و عمر را دراز می کند.

به این تقریب می توان گفت که هر نوع خدمتی به امام زمان **علیهالکرام** است رسیدن به این فوائد هست. و بخصوص در ثواب دعای دوم که مذکور می شود روایت شده که موجب طول عمر می شود.

فائده دوم: دفع بلاها و وسعت روزی است. در اصول کافی به سند صحیح از حضرت صادق **علیهالسلام** روایت است که فرمود: دعاء نمودن شخص از برای برادر دینی خود در غیاب او روزی را زیاد می کند و دفع می کند مکروه را.

حقیر گوید: مسلم است که هر چند آن مؤمن افضل باشد، حصول این فائده به دعای در غیاب او اکمل خواهد بود. پس دعای از برای حضرت صاحب الزمان **علیهالسلام** ایمان و معدن ایمان است، در زمان غائب بودن آن جناب، بیش از دعای برای هر مؤمنی سبب رسیدن به این فائده عظیمه خواهد بود. فائده سوم: آن که مواظبت نمودن مؤمن به دعای به جهت آن جناب، سبب مستجاب شدن سایر دعاهاست که مؤمن در حق خودش یا دیگران می کند. و ده وجه برای این مطلب در کتاب مکیال

المکارم ذکر نموده ام. پس مؤمن سزاوار است که در همه دعاهایش، ابتداء کند به دعای برای آن حضرت عجل الله تعالی فرجه و ظهوره.

فائده چهارم: شرفیاب شدن به ملاقات آن جناب در بیداری یا خواب. چنانچه در خصوص دعای دوم، وبعض دعاهای دیگر، روایت شده است. و در بحار و غیره از حضرت صادق علیه السلام آمده که: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم نمیرد تا به فیض ملاقات حضرت قائم علیه السلام نشود. ظاهر این است که مقصود مداومت بر این عمل است، که مشتمل است بر دعاء و صلوات بر محمد و آل محمد، و مسئلت تعجیل در فرج آنها که به ظهور حضرت قائم علیه السلام می شود.

فائده پنجم: زیاد شدن نعمتهای الهیه، زیرا که شکر نعمت، به نص آیه قرآن، سبب زیاد شدن آن می شود. چون وجود مبارک آن حضرت اعظم نعمتهای الهیه است، علاوه بر این واسطه در تمام نعمتهای ظاهریه و باطنیه است.

چنانچه در اخبار متواتره ذکر شده و در بحار و غیره از حضرت امام زین العابدین علیه السلام آمده که، به ابی حمزه ثمالی فرمودند: ای ابا حمزه مبادا در ساعت بین الطلوعین خواب باشی که در آن ساعت حق تعالی تقسیم می فرماید ارزاق بندگان را و بدست ما جاری می گرداند آنها را.

پس شکرگزاری آن وجود مبارک لازم است و سبب زیادتی نعمت است و دعای به آن جناب نوعی از شکرگزاری ایشان است. در کمال الدین و غیره از محمد بن زیاد ازدی روایت شده که گفت: پرسیدم از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آیه شریفه ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ فرمودند: نعمت ظاهره امام ظاهر است و نعمت باطنه امام غائب است. گفتیم: آیا می باشد از امامان کسی که غائب شود؟ فرمود: بلی غائب می شود از چشمهای مردم شخص او و غائب نمی شود از دلهای مؤمنین یاد او. و او دوازدهمی ماها است که آسان می کند حق تعالی برایش هر مشکلی را. و هموار می کند برایش هر ناهمواری را. و ظاهر می فرماید برایش گنجهای زمین را.

و نزدیک می کند برای او هر دوری را وفانی می کند به او هر سرکشی کننده ستمکاری را . و هلاک می کند به دست او هر شیطان نابکاری را . آن پسر سیده کنیزکان است، که مخفی می شود بر مردم ولادت او . و حلال نیست برای آنها تصریح نمودن به اسم او تا آن زمان که حق تعالی او را ظاهر گرداند. پس پر کند زمین را از عدل و داد هم چنانکه پر شده باشد از ظلم و ستم.

فائده ششم: آن که دعای برای آن جناب، سبب یاری خدا، و غلبه شخص دعاء کننده می شود بر اعداء . زیرا که دعای به آن حضرت یاری اوست و یاری او یاری خدا است . و حق تعالی در قرآن مجید وعده فرموده است که یاری کند هر کسی که یاری نماید او را، در چند موضع . یکی ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾ دیگر ﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾.

فائده هفتم: برگشتن دنیا در زمان ظهور آن جناب چنانچه در حدیقه الشیعه، از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است. و در فضیلت دعای عهد نامه، بخصوص در کتب متعدده، مانند بحار و غیره روایت شده است.

فائده هشتم : آن که دعای به تعجیل فرج، و ظهور آن حضرت، باعث ثبوت ایمان، و نجات از مهالک و فتن آخر الزمان است. و دلیل بر این مطلب، حدیثی است که شیخ صدوق رحمه الله روایت فرموده از احمد بن اسحاق قمی رحمه الله.

وارد شدم بر امام حسن عسکری علیه السلام و استم پیروم از آن جناب از امام و خلف بعد از او . آن جناب پیش از سؤال من فرمود: ای احمد بن اسحاق، بدرستی که خداوند خالی نگذارده زمین را از زمان خلقت آدم تا کنون.

و خالی نمی گذارد تا قیامت از کسی که حجت باشد بر خلق، که به او دفع بلاء می کند از اهل زمین . و به برکت او باران می بارد، و برکات زمین را بیرون می آورد . احمد گفت: من گفتم، یا بن رسول الله صلی و سلمی . پس کیست امام و جانشین شما بعد از شما.

حضرت به تعجیل داخل خانه شدند و بیرون آمدند در حالتی که بر دوش آن حضرت، پسری بود به سن سه ساله، که رویش مثل ماه شب چهارده بود، پس فرمود: ای احمد بن اسحق، اگر نبود به جهت کرامت تو نزد خدا و حجت‌های او، من این پسر را به تو نشان نمی‌دادم.

اوست همانم وهم کنیه پیغمبر صلی و کلمتویں پروردگار و الله و علی کند، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحق مثل او در این امت: مثل خضر و ذوالقرنین است به خدا قسم البتہ غائب خواهد شد غائب شدنی، که نجات نمی‌یابد از هلاکت در زمان غیبت او مگر کسی که خدا او را ثابت کند، بر قول به امامت او، و توفیق دهد به او که دعا کند به تعجیل فرج و ظهور او.

احمد گفت: گفتم ای مولای من علامتی به من بنما که دلم مطمئن شود. ناگاه آن پسر به زبان عربی فصیح نطق کرد. و فرمود: منم بقیه الله در زمین. و انتقام کشنده از دشمنان خدا. پس طلب نکن اثری بعد از عین ای احمد بن اسحق.

فائده نهم: دفع شدن بلاها و عقوبتها، از کسانی که مستوجب آنند به برکت دعا کنندگان از برای ظهور امام زمان علیهاالسلام در فائده سابقه دانستی که این امر شریف، سبب ثبوت بر ایمان بلکه علامت آن، و باعث نجات از فتن آخر الزمان است.

و از حصول این فائده، حاصل می‌شود فائده دیگر. که آن محفوظ بودن دیگران، از بلاها و عقوبات ناگهان است، به برکت وجود دعا کنندگان برای این مطلب. چنانچه در بحار از حضرت صادق علیهاالسلام شده که فرمود: می‌آید بر مردم زمانی که غائب می‌شود امام آنها، خوشا به حال کسانی که ثابت هستند بر امر ما، در آن زمان.

به درستی که کمتر چیزی که از برای آنها از ثواب هست این است که حق تعالی آنها را ندا می‌فرماید: که ای بندگان من، ایمان آوردید به سر من، و تصدیق نمودید حجت غائب مرا. پس مژده باد شما را به نیکوئی ثواب از من.

پس شمائید بندگان من و کنیزان من. به راستی از شماها قبول می فرمایم اعمال خوب را، و از شماها عفو می کنم اعمال زشت شما را، و شما را می آمرزم، و به برکت شماها باران بر بندگانم می بارم، و به برکت شماها دفع بلا از ایشان می کنم. و اگر شماها نبودید، همانا عذاب خود را بر ایشان نازل می فرمودم. فائده دهم: آن که امید هست به برکت دعا کردن و تضرع نمودن مؤمنین در سؤال تعجیل فرج و ظهور آن حضرت، این امر عظیم زودتر واقع گردد، و شاهد بر این مطلب حدیثی است که در بحار از حضرت صادق علیه السلام آمده که: حق تعالی وحی فرمود به حضرت ابراهیم علیه السلام^[۱] به او عطا می فرماید. چون خبر به ساره داد گفت: چگونه از من فرزند متولد می شود با وجود آن که پیر زن شده ام و زمان آبستن شدنم گذشته است؟ پس خدای عز و جل به ابراهیم وحی فرمود که به همین زودی فرزندی برای تو از ساره متولد خواهد شد و بیاداش این که وحی ما را از روی تعجب رد کرد فرزندان او چهارصد سال به دست دشمنان گرفتار و معذب خواهند شد.

و آن زمانی بود که بنی اسرائیل مبتلای به فرعونیان بودند، پس چون طول کشید زمان ابتلای آنها در میان فرعونیان، به زاری در آمدند و چهل روز گریه کردند و بسوی خدا توجه کردند و طلب فرج نم و دند، حق تعالی به موسی و هرون وحی فرستاد که آنها را از عذاب فرعونیان خلاص خواهد فرمود، با وجود آن که هنوز یکصد و هفتاد سال از آن چهارصد سال باقی مانده بود.

آن گاه حضرت صادق علیه السلام^[۲]: شماها هم اگر این چنین رفتار می کردید یعنی اتفاق می نمودید در گریه وزاری کردن، و طلب فرج ما را از خدا نمودن، البته حق تعالی فرج ما را ظاهر می فرمود. اما چون شماها مانند آنها نمی کنید، این امر به منتھائی که باید خواهد رسید.

فایده های اخروی تداوم در دعا

در بیان فوائد و منافع اخرویه این امر شریف. یعنی مداومت و اهتمام نمودن، در بسیاری دعا، به وجود مبارک آن جناب و سؤال نمودن تعجیل در ظهور و فرج او، از حضرت رب الارباب. و آنها زیاده بر صد فائده است که با دلیل و برهان مفصلا در کتاب مکیال المکارم، ذکر نموده ام. و چون در این رساله بنا بر اختصار است، فقط همان فوائد را بطور فهرست و اجمال، می شمارم، تا خوانندگان را موجب ملال نشود. و برای عوام همین مقدار کافی است.

اول: فائز شدن به شفاعت حضرت رسول، **صَلَّى وَ سَلَّمَ**

دوم: شفاعت حضرت فاطمه، **عَلَيْهَا السَّلَام**

سوم: رسیدن به شفاعت حضرت صاحب الزمان، **عَلَيْهَا السَّلَام**

چهارم: آن که دعای به آن حضرت اظهار محبت به آن جناب است. و در کافی روایت شده از حضرت صادق **عَلَيْهَا السَّلَام**: چون کسی را از اهل ایمان دوست داری، اظهار کن محبت خودت را نسبت به او، زیرا که همین سبب زیادتی و ثبات محبت و دوستی می شود.

پنجم: آن که دعای به آن جناب و مسئلت ظهورش را از حق تعالی، علامت انتظار است و از برای انتظار ثوابهای بسیار است، که در نور الابصار ذکر نموده ام.

ششم: آن که حاصل می شود به آن احياء امر امام. و آن سبب سرور شخص می شود، در قیامت.

هفتم: باعث دور شدن شیطان می شود، از شخص دعا کننده.

هشتم: آن که حاصل می شود به آن، ادای بعض حقوق امام، فی الجمله.

نهم: آن که حاصل می شود به آن تعظیم از برای خداوند منان. و آن اعظم عبادات بلکه روح آنها است.

دهم: آن که این دعا نوعی است از توسل بوسیله الهیه، که امر فرمود به آن در آیه شریفه: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ**

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾. (ای کسانی که ایمان آورده اید

نگاه دارید خود را از عذاب خدا. و طلب کنید وسیله رحمت او را. و کوشش نمائید در راه او، تا رستگار شوید).

یازدهم: آن که حاصل می شود، به آن ادای مزد رسالت حضرت رسول صلی و فی سلمه و آله و صحبه اجمعین است. نوعی از مودت است به ذوی القربی. و حق تعالی آن را مزد رسالت قرار داده، در آیه شریفه: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾. (یعنی بگو طلب نمی کنم از شماها بر پیغمبری خودم مزدی را مگر آن که دوستی و اظهار مودت کنید با قریبی) و تفسیر شده قریبی به حضرت امیر و فاطمه و اولاد آنها. دوازدهم: باعث آمرزش گناهان، می شود.

سیزدهم: آن که داخل می شود، مؤمن به سبب دعا نمودن از برای امام زمان، در زمره اخوان خاتم پیغمبران صلی و سلمیه و آل و صحبه اجمعین است. برای انسان.

چهاردهم: آن که دعای به آن حضرت تاسی و اقتداء است به ائمه طاهرين عليهم السلام. پانزدهم: آن که نوعی است از وفای به عهد الله که امر فرموده به آن در قرآن مجید. شانزدهم: آن که نوعی است از رعایت امانت الهیه که آن وجود مبارک امام است. هفدهم: آن که باعث زیادتیی اشراق نور امام می شود در قلب او، ان شاء الله تعالی. هجدهم: آن که آن نوعی است از اعانت بر بر و تقوی زیرا که تمام خیرات ظاهر می شود به ظهور آن جناب علیها السلام.

نوزدهم: آن که باعث هدایت یافتن به نور کتاب الله مجید می شود.

بیستم: قبول شدن اعمال صالحه انسان به برکت دعای به حضرت صاحب الزمان علیها السلام. بیست و یکم: مترتب می شود بر این دعا ثواب طلب علم هر گاه مقصود انسان استفاضه به علوم ربانیه امام زمان علیها السلام.

بیست و دوم: آن که ایمن می شود از عقوبتها و شدتهای روز قیامت، انشاء الله تعالی.

بیست و سوم: آن که حاصل می شود به آن اجابت دعوت خدا و رسول صلی و سلمو.

بیست و چهارم : آن که سبب بودن داعی می شود با امیر المؤمنین علیه السلام و مقام آن حضرت در روز قیامت.

بیست و پنجم : آن که محبوب ترین خلق می شود نزد خداوند عالمیان جل شانہ . بیست و ششم: آن که عزیزترین مردم می شود نزد خاتم پیغمبران صلی وسلم

بیست و هفتم: آن که دعا کننده در امر فرج و ظهور آن حضرت اهل بهشت می شود، انشاء الله تعالی.

بیست و هشتم: آن که دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

بیست و نهم: آن که خداوند او را در امر عبادت یاری می فرماید، به جهت اهتمامش در دعای به امام

زمان علیه السلام

سی ام: آن که حاصل می شود به آن ثواب اعانت مظلوم.

سی و یکم: حاصل می شود به آن ثواب اجلال و احترام کبیر.

سی و دوم: حاصل می شود به آن ثواب طلب نمودن خون بناحق ریخته شده مظلوم کربلاء و سایر

مظلومین.

سی و سوم: آن که حاصل می شود به آن توانائی تحمل احادیث ائمه طاهرین علیه السلام

سی و چهارم: آن که در قیامت نوری از او ساطع می شود که دیگران به آن منتفع می شوند.

سی و پنجم: آن که شفاعت می کند از برای هفتاد هزار نفر از گناهکاران و قبول می شود. سی و ششم :

اطمینان و آرام بودن قلب در روز قیامت.

سی و هفتم: آن که به مواظبت و اهتمام در دعای تعجیل فرج و ظهور آن جناب علیه السلام می شود

ثواب بیست حج با علاوه. سی و هشتم: ثواب عمره دارد.

سی و نهم: آن که ثواب اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام دارد.

چهل: ثواب دو ماه روزه با اعتکاف در مسجد الحرام دارد.

چهل و یکم: آن که افضل است از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا.

چهل و دوم: آن که بهتر است از دادن هزار اسب به جهاد کنندگان در راه خدا، ومقتضای افضل بودن زیادتی ثواب آن است.

چهل و سوم: آن که اهتمام در بسیاری دعای به تعجیل ظهور وفرج آن حضرت افضل است از ده مرتبه طواف دور خانه کعبه مشرفه.

چهل و چهارم: آن که صد هزار حاجت او در روز قیامت روا می شود.

چهل و پنجم: محشور شدن در زمره حضرت رسول وائمه طاهرين سلام الله عليهم اجمعين.

چهل و ششم: بشارت در وقت مردن.

چهل و هفتم: آن که ملائکه در حق او دعا می کنند.

چهل و هشتم: این دعا سبب جراحت قلب شیطان می شود.

چهل و نهم: در محشر از طعامهای بهشت بهره مند می شود و متنعم می گردد در حالتی که مردم مشغول به حساب هستند.

پنجاهم: از آفتاب قیامت محفوظ می ماند.

پنجاه و یکم: در عالم برزخ از عذابها وهولهای آن عالم ایمن است.

پنجاه و دوم: سبب سرور رسول خدا صلی و سلمی علیهما السلام

پنجاه و سوم: در عالم قبر وبرزخ رفیق ومصاحب نیکو پیدا می کند.

پنجاه و چهارم: حساب او در قیامت آسان می شود، یعنی از سیئات او عفو می شود ودقت نمی شود.

پنجاه و پنجم: درهای بهشت برای او گشوده می شود.

پنجاه و ششم: آن که دعای حضرت سید الساجدین علیها السلام حال او می شود.

پنجاه و هفتم: آن که به دعا نمودن در حق امام زمان حاصل می شود اعتصام به حبل الله، که حق تعالی

امر به آن فرموده در آیه شریفه ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ﴾.

پنجاه و هشتم: حاصل می شود به آن توسل وتمسک به عترت طاهره خاتم پیغمبران صلی و سلمی علیهما السلام

پنجاه ونهم: آن که باعث رسیدن به مثل ثلث ثواب عبادت جمیع عابدان می شود. بلکه دو ثلث مثل جمیع ثوابهای عبادت عابدان، هر گاه دعا کردن او به آن حضرت از جهت اظهار محبت به امیر المؤمنین علیه السلام در حال دعا به دست خود تضرع و ابتهال نماید، زیرا که حاصل می شود به مداومت به این

کیفیت از دعا، اظهار محبت قلبی و لسانی ویدی به امیر المؤمنین علیه السلام حضرت رسول صلی و سلم است که: هر کس دوست دارد علی را به دل و زبان و دست، حق تعالی ثواب جمیع عبادات عابدان را به او مرحمت می فرماید.

شصتم: کامل شدن ایمان.

شصت و یکم: ثواب شهادت در حضور خاتم انبیاء صلی و سلم

شصت و دوم: ثواب شهادت در حضور حضرت صاحب الزمان علیه السلام

شصت و سوم: ثواب احسان نمودن به امام را دارد.

شصت و چهارم: ثواب اکرام عالم را دارد، و اکرام و احترام نمودن برای عالم یعنی عالم عامل از جمله

عبادات عظیمه است. در بحار از حضرت صادق علیه السلام آمده که فرمودند: هر کس اکرام کند مؤمن فقیهی را، در روز قیامت حق تعالی از او راضی و خشنود باشد، و هر کس بی احترامی کند به مؤمن فقیهی، حق تعالی در قیامت بر او غضبناک باشد.

شصت و پنجم: ثواب اکرام کریم را دارد.

شصت و ششم: حاصل می شود به آن مکافات بعضی از احسانهای آن حضرت در حق ماها فی الجملة.

شصت و هفتم: حاصل می شود به آن اطاعت اولی الامر فی الجملة.

شصت و هشتم: رسیدن به درجات شهدا بلکه شهادی در خدمت امیر المؤمنین علیه السلام

شصت و نهم: حاضر شدن ملائکه در مجلسی که در آن دعا کرده می شود در حق امام زمان عجل الله

تعالی فرجه.

هفتماد: آن که دعا نمودن به آن حضرت در این زمان افضل و بهتر است از دعا کردن به آن حضرت در

زمان ظهور و استیلای آن جناب، به مقتضای احادیث و روایات. و اکتفا می کنم در این مختصر به همین

مقدار وهر کس طالب بر اطلاع بر زیادتر از این است رجوع کند به کتاب مکیال المکارم که به بیانات وافیه و تحقیقات شافیه بلدلیل های بسیار از احادیث ائمه اطهار علیهم‌السلام ام. تنبیه (یاد آوری):

از آن چه گفتیم ظاهر شد که این عمل شریف را در میان عبادات جامعیتی است که از برای سایر عبادات نیست، از جهت بسیاری ثوابهای عظیمه و فوائد جلیله که حاصل می شود به آن، لکن باید دانست که فائز شدن به تمامی آن فوائد و ثوابها من حیث المجموع بر وجه کمال مشروط به سه شرط است، بنابر آن چه ظاهر می شود از آیات و روایات بسیار:

شرط اول: ایمان است و مقصود از آن یقین قلبی و اقرار زبانی است به اصول دین و مذهب، که تمام آنها راجع به سه مطلب می شود:

اول: معرفت به خداوند جل شانته و وحدانیت او و صفات ثبوتیه او که از جمله آنها عدل است و صفات سلویه او.

دوم: معرفت به رسول او حضرت خاتم النبیین صلی و سلمه آن حضرت و صفات او و طاعت او و طاعت جمیع آن چه فرموده است، که از آن جمله است معاد و سایر ضروریات دین.

سوم: معرفت و شناسائی به دوازده امام که اول آنها حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام آنها امام زمان حضرت حجه بن الحسن العسکری علیهما‌السلام آن که آن حضرت زنده است و غایب است و نخواهد مرد، تا آن که ظاهر شود و عالم را مملو از عدل فرماید. پس هر گاه نعوذ بالله کسی در یکی از امور مذکوره شک داشته باشد، مؤمن نیست و هیچ عملی از او قبول نمی شود، و اگر به آن حالت مرد نجات ندارد، و همچنین اگر منکر یکی از ضروریات دین شود، و مراد از ضروریات دین آن حکمهای است که واضح و ظاهر باشد بر هر مسلمانی که نشو و نما کرده باشد در اسلام، که آن حکم دین اسلام است مثل واجب بودن پنج نماز در هر شبانه روز و واجب بودن روزه ماه رمضان و حرام بودن ربا و شرب خمر و نحو اینها.

شرط دوم: تحصیل تقوای واقعی، بدان که تقوای به معنی پرهیزکاری است، و آن را چهار درجه است که به تفاوت آنها درجات ثواب و قبول اعمال شخص تفاوت پیدا می کند:

درجه اول: اجتناب از گناهان کبیره است، و آن گناهانی است که در شرع بزرگ شمرده شده، و هر گاه شخص این درجه را حاصل نمود، از گناهان صغیره او عفو می شود و به ثواب اعمال خیر و دخول بهشت فائز می شود. و دلیل بر این است آیه شریفه: ﴿إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾. اگر پرهیز کنید از گناهان کبیره که نهی کرده شده اید از آن، ما می بخشیم گناهان صغیره شما را، و شما را به جایگاه نیکو داخل می نمائیم.

و روایات هم مطابق آن وارد شده است. پس بر مؤمنی که طالب ثواب است و از عذاب حق تعالی ترسان است، لازم است گناهان کبیره را اقلاً بشناسد تا از آنها پرهیز نماید. و در این خصوص مرحوم مبرور ثقه الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی - رفع الله تعالی درجته - رساله خوبی نوشته اند، خوب است مؤمنین آن را تحصیل نموده و از آن بهره مند شوند.

و پوشیده نماند که هر گناه صغیره بی چون اصرار بر آن کنند کبیره می شود، چنانچه در روایت وارد شده و نقل اجماع علما نیز بر آن شده است. و ترک هر واجبی حرام است، لکن بعضی واجبات ترکش گناه کبیره است مثل ترک نماز. و بعضی ترکش حرام است، لکن گناه صغیره است مثل ترک جواب سلام، که کبیر بودنش معلوم نیست، مگر اینکه باعث هتک احترام مؤمن و ایزدای به او شود.

درجه دوم: که بالاتر از اول است پرهیز نمودن از تمام گناهان است، و واضح است که هر کس این درجه را حاصل کرد ثواب عباداتش اکمل از اول است، و تحصیل این دو درجه از تقوی واجب است به مقتضای آیات و روایات.

درجه سوم: که از آنها بالاتر است، حاصل می شود به ترک مکروهات به جهت خوف از افتادن در محرمات.

درجه چهارم: که از آن سه درجه بالاتر است، ترک مباحات است به جهت ترس از افتادن در مکروهات و محرمات، و این دو درجه مقام مؤمنین کاملین است که هر عملی از آنها صادر می شود مقرون به رضای حضرت حق سبحانه و تعالی است.

شرط سوم: از شروط رستگار شدن به ثوابهای کامله تهذیب نفس است از صفات رذیله، یعنی صفات خبیثه یی که در باطن انسان کمین ساخته و او را از ساحت قرب الهی دور انداخته اند، مثل تکبر و حرص و حسد و کینه و نفاق و محبت دنیا و عجب و غرورها را از خود دور نماید، که با وجود بودن آنها شخص به مطلوب خود نخواهد رسید. بلکه بعضی از صفات خبیثه چنان با اثر است که بکلی شخص را از ثواب محروم می کند، بلکه باعث زوال ایمان می شود مثل محبت دنیا و نحو آن. و اگر بخواهم در این مطالب تفصیل بدهم کتاب بزرگی خواهد شد، لهذا به همین مقدار اشاره نمودیم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخنم پندگیر و خواه ملال

پس هر گاه شخص مؤمن با حصول شرایط مذکوره، اهتمام و مداومت نمود در دعای به وجود مبارک امام زمان علیه السلام نمودن تعجیل در فرج و ظهورش را از خلاق عالم جل شانہ، فائز می شود به تمامی فوائد مذکور به نحو کمال انشاء الله تعالی.

فصل (اشکال و پاسخ):

بسا هست که بعضی از کوتاه نظران استبعاد کنند و بگویند: چگونه به ازای عمل کوچک مختصری این

همه مثوبات و منافع داده می شود؟ و جواب از این شبهه از سه راه است:

اول: آن که این عمل شریف (یعنی دعای به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان علیه السلام) نیست

در نزد اهل بصیرت، تا آن که جای این استبعاد باشد، بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت شان است، و

کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می داند، مثل آن که یک دانه جواهر کوچک بسا می

شود و پنج هزار تومان قیمت دارد، لکن اهل خبره آن می داند و شخص ناشی را نمی رسد که به آن دانا

اعتراض کند که: چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی؟

و عالم به شان و قیمت این دعا خلاق عالمیان و خاتم پیغمبران و ائمه طاهرین **علیهم‌السلام** . و مثل دعای به امام زمان روحی و ارواح العالمین فداه مثل کلمتین شهادتین است، هر چند کوچک و مختصر است لکن به محض گفتن شخص کافر مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود، و هکذا سایر آثار که دارد . و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن انکار آثار آن را نماید.

جواب دوم : آن که ثوابهایی که حق تعالی به ازای هر عملی عطا می فرماید از راه تفضل است نه استحقاق شخص. و مثل این دعا و سایر عبادات مثل هدیه ای است که شخص محتاج به خدمت شخص کریم می برد، یقین است آن کریم ملاحظه قیمت هدیه را نمی کند، بلکه به مقتضای کرم خود انعام می فرماید. بسا هست یک گل بها و تعارف می کنند، صد تومان انعام می دهد، و همه کس او را تحسین می کند. در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین **علیه‌السلام** گل به آن حضرت تعارف کرد، آن جناب او را آزاد نمودند.

جواب سوم: آن که تمام این عطاها و ثوابات که به دعا کننده در حق امام زمان **علیه‌السلام** شود، فی الحقیقه عطیه خداوند جل شانہ است به خود آن حضرت، و اکرام آن حضرت است. و واضح است که آن جناب استحقاق این مراتب و ما فوق آنها را دارند. مثلاً هر گاه شخص بزرگی شخص بزرگی دیگر را ضیافت نمود، نسبت به هر یک از خادمان و اتباع و غلامان او احسانها و انعامهایی می کند که آنها به خودی خود لیاقت آن گونه تجلیلات را ندارند، لکن به جهت انتساب و تعلقشان به آن شخص بزرگ مورد آن الطاف می شوند، و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنها است، و لهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هر یک از آنها علی حسب مراتب هم بشود، باعث تکدر خاطر و گله آن شخص بزرگ می شود.

چنانچه کثرت ثوابها و عطاهائی هم که به زیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سید الشهداء **علیه‌السلام** عنایت می شود، از جهت انتساب و تعلق ایشان است به آن حضرت، نه از جهت استحقاق خودشان. بیت:

نثار حسن جمال حبیب اگر آرند دو عالمی ز کریمان عجب بیندارند

اوقات دعا

در بیان اوقات و حالات که اهتمام و تاکید در دعا نمودن از برای آن جناب و مسئلت تعجیل فرج آن

حضرت بیش از سایر اوقات شده. و در این مختصر به ذکر جمله ای از آنها اکتفا می نمایم:

اول: در قنوت نمازها، چنانچه در قنوتهای متعدده از ائمه طاهرین **علیهم‌السلام** آمده، از آن جمله :

مستدرک الوسائل روایت است که حضرت صادق **علیه‌السلام** خود امر می فرمودند که در قنوت نمازها

بعد از کلمات فرج ^(۴) این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ اليك شخصت الابصار ونقلت الاقدام ورفعت الايدي

ومدت الاعناق وانت دعيت بالالسن واليك سرهم ونجواهم في الاعمال. ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت

خير الفاتحين. اللَّهُمَّ انا نشكو اليك فقد نبينا وغيبه امامنا وقله عددنا وكثره اعدائنا وتظاهر الاعداء علينا

ووقوع الفتن بنا، وفرج ذلك اللَّهُمَّ بعدل تظهره وامام حق نعرفه اله الحق آمين رب العالمين.»

حقیر گوید: هر گاه نتواند این دعا را بخواند یا وقت تنگ باشد، کفایت می کند اینکه بگوید : اللهم عجل

فرج مولانا صاحب الزمان و عجل خزی اعدائه.

دوم: بعد از هر نماز واجب، چنانچه ذکر خواهد شد.

سوم: بعد از هر دو رکعت از نماز نافله شب.

چهارم: هر صبح و شام بخصوص .

پنجم: هر وقت آن حضرت را زیارت می کنی. چنانچه شهید **رحمه‌الله** فرموده.

ششم: هر وقت می خواهی برای خودت دعا کنی، اول برای آن جناب دعا کن بعد در حق خودت

چنانچه از روایات و ادعیه مستفاد می شود.

هفتم: روزهای پنجشنبه، بخصوص در جمال الاسبوع روایت فرموده که در روز پنجشنبه مستحب است

که صد مرتبه بگویند: «اللَّهُمَّ صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم واهلك عدوهم من الجن والانس من

الاولين والاخرين.» واز برای آن فضیلت بسیار است.

هشتم: روزهای جمعه، خصوص وقت زوال و بعد از نماز ظهر و عصر آن. از حضرت صادق علیه السلام است که افضل اعمال روز جمعه آن است که بعد از نماز عصر صد مرتبه بگوئی: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

نهم: روز عید ماه رمضان.

دهم: روز عید قربان.

یازدهم: روز عید غدیر.

دوازدهم: روز عرفه.

سیزدهم: روز بیست و پنجم ماه ذی قعدة که دحو الارض است.

چهاردهم: شب نیمه ماه شعبان.

پانزدهم: روز نیمه شعبان.

شانزدهم: تمام ماه رمضان.

هفدهم: خصوص شبهای آن.

هجدهم: خصوص شب قدر.

نوزدهم: خصوص روز بیست و یکم ماه رمضان بعد از نماز صبح.

بیستم: روز عاشورا. و ادله هر یک را در کتاب مکیال المکارم ذکر کرده ام.

بیست و یکم: روز نوروز است، به ملاحظه حدیث معلی بن خنیس که در زاد المعاد مسطور است که

حضرت صادق علیه السلام: هیچ روز نوروزی نیست مگر آن که ما انتظار فرج می کشیم. پس مؤمن هم

باید تاسی به امام خود نماید و در انتظار و دعا گوئی او اهتمام تمام نماید.

بیست و دوم: هر وقت هم و غمی عارض می شود، باید مخصوصا دعای به امام زمان علیه السلام طلب

رفع هم و غم آن حضرت را از حق تعالی بنماید. چون که از حضرت صادق علیه السلام آمده که: هر وقت

هم و غمی عارض قلب امام می شود، آن غم اثر در قلوب شیعیانش می کند. و از این جهت بعضی اوقات

قلب مؤمن محزون و غمناک می شود، با وجود آن که جهتی ظاهرا از برای آن نمی یابد.

بعضی از دعاها

بدان که فائز شدن به فوائد مذکوره از برای دعا نمودن به تعجیل امر فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام کمال حاصل می شود، به اینکه شخص مداومت و اهتمام داشته باشد در دعای به وج و د مبارک امام زمان علیه السلام فرج و ظهور آن حضرت از خداوند عالمیان جل شانہ و اینکه این دعا را بسیار کند، و طلب فرج و ظهور او را و رفع هموم و غموم را از قلب مبارک او از حق تعالی بسیار نماید، به هر زبان که باشد، چه فارسی چه عربی چه غیر آنها.

لکن سزاوار است که در آن حال با کمال تضرع و زاری دعا کند، مثل کسی که از برای عزیزترین اهل خودش دعا می کند در حال اضطرار او، و غرضش از دعا کردن به آن حضرت محبت به حضرت حق تعالی شانہ و حضرت رسول صلی و سلم علیہ السلام است که دعاهائی را که از ائمه اطهار علیهم السلام شده به جهت آن بزرگوار بخواند و آنها بسیار است، و این حقیر در این مختصر به ذکر چند دعا اکتفا می نمایم:

اول: در فقیه از حضرت امام محمد تقی علیهما السلام است که بعد از هر نماز واجب این دعا را بخوان:
«رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد صلی و نبی و علی بن ابی طالب و الحسن و حسین و علی بن الحسن و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجه بن الحسن بن علی علیهما السلام و لیک الحجه فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینہ و عن شمالہ و من فوقہ و من تحتہ و امدد له فی عمره و اجعله القائم بامرک المستنصر لدینک و اراه ما یحب و تقر به عینہ فی نفسه و ذریتہ و فی اهلہ و مالہ و فی شیعته و فی عدوہ و اراهم منه ما یحذرون و اراه فیهم ما یحب و تقر به عینہ و اشف به صدورنا و صدور قوم مؤمنین.»

دوم: در بحار و غیره از حضرت صادق علیهما السلام شده که این دعا را بعد از هر نماز بخوانند: «اللَّهُمَّ صل علی محمد و آل محمد اللهم ان رسولک الصادق المصدق الامین صلواتک علیه و آله قال انک قلت تبارکت و تعالیت ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت و انا اکره سائته اللهم فصل علی محمد و آل محمد و عجل لولیک الفرج و النصر و العافیة و لا تسونی فی نفسی و لا فی احد من احبتی.»

سوم: در فروع کافی روایت شده که این دعا را در هر حال و هر وقت بخوانند، خصوصا در ماه رمضان،

خصوص در شب بیست و سوم آن. می گویی بعد از حمد خدا و صلوات بر خاتم انبیاء **صلی و سلم** **اللهم صل**

لولیک الحجه بن الحسن صاحب الزمان علیه و علی آباءه الصلوه والسلام فی هذه الساعه و فی کل ساعه و لیا
وحافظا و ناصرا و دلیلا و قائدا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا.»

چهارم: در جمال الاسبوع از حضرت امام حسن عسکری **علیه السلام** است که باید صلوات فرستاد بر
حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه به این کیفیت (مولف گوید: چون که این صلوات مشتمل است
بر دعای به آن حضرت در هر حال و هر وقت مناسب است خواندن):

«اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقهم و اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا. اللهم
انصره و انتصر به لدینک و انصر به اولیائک و اولیائه و شیعتہ و انصاره و اجعلنا منهم. اللهم اعذه من شر کل طاغ و باغ و من شر
جمیع خلقک و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینہ و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء و احفظ فیہ
رسولک و آل رسولک و اظهر به العدل و ایده بالنصر و انصر ناصریه و اخذل خاذلیه و اقسم به جبارہ الکفره و اقتل به الکفار
و المنافقین و جمیع الملحدین حیث کانوا من مشارق الارض و مغاربها و برها و بحرہا و سهلها و جبلها و املا به الارض عدلا
و اظهر به دین نبیک علیہ و آلہ السلام. و اجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعتہ و ارنی فی آل محمد ما یاملون و فی
عدوهم ما یحذرون الہ الحق رب العالمین آمین.»

پنجم: دعائی است که در جمال الاسبوع از حضرت امام رضا **علیه السلام** است که دعا نمایند به
حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه به این دعا، و این دعا وقت مخصوصی ندارد، بلکه هر وقت بتوانند این
دعای شریف را بخوانند و این عاصی را به دعای خیر یاد کنند:

«اللهم صل علی محمد و آل محمد و ادفع عن ولیک و خلیفتک و حجتک علی خلفک و لسانک المعبر عنک باذنک
الناطق بحکمتک و عینک الناظره فی بریتک و شاهدک علی عبادک الحاج المجاهد المجتهد عبدک العائد بک . اللهم واعذه
من شر ما خلقت و ذرات و برات و انشات و صورت و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینہ و عن شماله و من فوقه
و من تحته بحفظک الذی لا یضیع من حفظته به و احفظ فیہ رسولک و وصی رسولک و آباءه ائمتک و دعائم دینک صلواتک
علیهم اجمعین و اجعله فی ودیعتک التی لا تضیع و فی جوارک الذی لا یخفر و فی منعک و عزک الذی لا یقهر.
اللهم و امنه بامانک الوثیق الذی لا یخذل من امنته به و اجعله فی کنفک الذی لا یضام من کان فیہ و انصره بنصرک العزیز
و ایده بجندک الغالب و قوه بقوتک و اوردفه بملائکتک. اللهم و ال من والاہ و عاد من عاداه و البسه درعک الحصینہ و حفه

بالملائكة حفا. اللهم وبلغه افضل ما بلغت القائمين بقسطك من اتباع النبيين . اللهم اشعب به الصدع وارتق به الفتق وامت به الجور واطهر به العدل وزين بطول بقائه الارض وايده بالنصر وانصره بالرعب وافتح له فتحا يسيرا واجعل له من لدنك على عدوك وعدوه سلطانا نصيرا.

اللهم اجعله القائم المنتظر والامام الذى به تنتصر وايده بنصر عزيز وفتح قريب وورثه مشارق الارض ومغاربها اللاتي باركت فيها واحى به سنه نبيك صلواتك عليه وآله حتى لا يستخفى بشيء من الحق مخافه احد من الخلق وقو ناصره واخذل خاذله ودمدم على من نصب له ودمر على من غشه. اللهم واقتل به جبابره الكفر وعمده ودعائمه والقوام به واقصم به روس الضلاله وشارعه البدعه ومميته السنه ومقويه الباطل واذل به الجبارين وابر به الكافرين والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا واين كانوا من مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حتى لا تدع منهم ديارا ولا تبق لهم آثارا. اللهم وطهر منهم بلادك واشف منهم عبادك واعز به المؤمنين واحى به سنن المرسلين ودارس حكم النبيين وجدد به ما محى من دينك وبدل من حكمك حتى تعيد دينك به وعلى يدي غضا جديدا صحيحا محضا لا عوج فيه ولا بدعه معه حتى تنير بعدله ظلم الجور وتطفىء به نيران الكفر وتظهر به معاهد الحق ومجهول العدل وتوضح به مشكلات الحكم. اللهم وانه عبدك الذى استخلصته لنفسك واصطفيته من خلقك واصطفيتك على عبادك وائتمنته على غيبك وعصمته من الذنوب وبراته من العيوب وطهرته من الرجس وصرفته عن الدنس وسلمته من الريب.

اللهم فانا نشهد له يوم القيمة ويوم حلول الطامه انه لم يذنب ذنبا ولم يات حوبا ولم يرتكب لك معصيه ولم يضيع لك طاعه ولم يهتك لك حرمة ولم يبذل لك فريضه ولم يغير لك شريعته وانه الامام التقى الها دى المهتدى الطاهر النقى الوفى الرضى الزكى. اللهم فصل عليه وعلى آبائه واعطه فى نفسه وولده واهله وذريته وامته وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسره به نفسه وتجمع له ملك المملكات كلها قريبا وبعيدها وعزيزها وذليلها حتى يجرى حكمه على كل حكم ويغلب بحقه كل باطل.

اللهم واسلك بنا على يديه منهاج الهدى والمحججه العظمى والطريقه الوسطى التى يرجع اليها الغالى ويلحق بها التالى . اللهم وقونا على طاعته وثبتنا على مشايعته وامن علينا بمتابعته واجعلنا فى حزبه القوامين بامر الصابرين معه الطالبين رضاك بمناصحته حتى تحشرنا يوم القيمة فى انصاره واعوانه ومقويه سلطانه. اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل ذلك كله منا لك خالصا من كل شك وشبهه ورياء وسمعه حتى لا نعتمد به غيرك ولا نطلب به الا وجهك وحتى تحلنا محله وتجعلنا فى الجنه معه ولا تبتلنا فى امره بالسامه و الكسل و الفتره و الفشل واجعلنا ممن تنصّر به لدينك وتعز به نصر وليك ولا تستبدل بنا غيرنا فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير وهو علينا كبير انك على كل شىء قدير.

اللهم وصل على ولاة عهوده و بلغهم امالهم وزد فى اجالهم وانصرهم وتمم له ما اسندت اليهم من امر دينك واجعلنا لهم اعوانا وعلى دينك انصارا وصل على آبائه الطاهرين الائمة الراشدين . اللهم فانهم معادن كلماتك وخزان علمك وولاه

امرک وخالصتک من عبادک وخیرتک من خلقک واولیائک وسلاتل اولیائک وصفوتک واولاد اصفیائک صلواتک
ورحمتک وبرکاتک علیهم اجمعین.

اللهم وشركاؤه في امره ومعاونوه على طاعتك الذين جعلتهم حصنه وسلاحه ومفرعه وانسه الذين سلوا عن الاهل
والاولاد وتجاؤوا الوطن وعطلوا الوثير من المهاد قد رفضوا تجارتهم واضروا بمعایشهم وفقدوا في اندیتهم بغير غيبه عن
مصرهم وخالفوا البعيد ممن عاضدهم على امرهم وخالفوا القريب ممن صد عن وجهتهم وائتلفوا بعد التدابر والتقاطع في
دهرهم وقطعوا الاسباب المتصله بعاجل حطام من الدنيا، فاجعلهم اللهم في حرزك وفي ظل كنفك ورد عنهم باس من قصد
اليهم بالعداوه من خلقك واجزل لهم من دعوتك من كفايتك و معونتک لهم وتأييدک ونصرک اياهم ما تعينهم به على
طاعتك وازهق بحقهم باطل من اراد اطفاء نورک وصل على محمد وآله واملا بهم كل افق من الافاق وقطر من الاقطار
قسطا وعدلا ومرحمه وفضلا واشكر لهم على حسب كرمك وجودك وما مننت به على القائمين بالقسط من عبادك واذخر
لهم من ثوابك ما ترفع لهم به الدرجات انك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد آمين رب العالمين.»

ششم: صلواتی است که از خود آن حضرت **عليها السلام** الاسبوع وبحار روایت شده، ومشمتمل است

بر دعای به جهت آن جناب وصلوات بر آن حضرت صلوات الله عليه:

«بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم صل على محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجه رب العالمين المنتجب في الميثاق
المصطفى في الظلال المطهر من كل آفة البرىء من كل عيب المومل للنجاه المرتجى للشفاعة المفوض اليه دين الله . اللهم
شرف بنيانه وعظم برهانه وافلج حجته وارفع درجته وارضىء نوره وبيض وجهه واعطه الفضل والفضيله والدرجه والوسيله
الرفيعه وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والآخرين . وصل على امير المؤمنين ووارث المرسلين وقائد الغر المحجلين
وسيد الوصيين وحجه رب العالمين.

وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين و وارث المرسلين وحجه رب العالمين. وصل على الحسين بن علي امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجه رب العالمين. وصل على علي بن الحسين سيد العابدين وامام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجه رب العالمين. وصلى على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجه رب العالمين . وصل على جعفر بن
محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجه رب العالمين . وصلى على موسى بن جعفر امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجه رب العالمين. وصل على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجه رب العالمين . وصل على محمد بن
علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجه رب العالمين . وصل على علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجه
رب العالمين. وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجه رب العالمين. وصل على الخلف الصالح
الهادى المهدي امام الهدى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجه رب العالمين.

اللهم صل على محمد وعلى اهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك واركان توحيدك
وتراجمه وحيك وحججك على خلقك وخلفائك فى ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم
لدينك وخصصتهم بمعرفتك و جلتهم بكرامتك و غشيتهم برحمتك و رببتهم بنعمتك و غذيتهم بحكمتك والبستهم نورك
ورفعتهم فى ملكوتك و حففتهم بملائكتك و شرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله.

اللهم صل على محمد وعليهم صلوه كثيره دائمه طيبه لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك.
اللهم وصل على وليك المحيى سنتك القائم بامرک الداعى اليك الدليل عليك و حجتك على خلقك و خليفتك فى ارضك
وشاهدك على عبادك. اللهم اعز نصره ومد فى عمره وزين الارض بطول بقائه. اللهم اكفه بغى الحاسدين واعذ ه من شر
الكائدين وازجر عنه اراده الظالمين وخلصه من ايدي الجبارين. اللهم اعطه فى نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته
وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسره به نفسه وبلغه افضل ما امله فى الدنيا والاخره انك على كل شىء قدير.
اللهم جدد به ما محى من دينك واحى به ما بدل من كتابك واطهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى
يديه غضا جديدا خالصا مخلصا لا شك فيه ولا شبهه معه ولا باطل عنده ولا بدعه لديه. اللهم نور بنوره كل ظلمه وهد
بركنه كل بدعه واهدم بعزته كل ضلاله واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعذله كل جبار واجر حكمه على
كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان.

اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستاصل من حجد حقه واستهان بامرہ وسعى فى اطفاء
نوره واراد اخماد ذكره. اللهم صل على محمد المصطفى وعلى المرتضى وفاطمه الزهراء والحسن الرضا والحسين المصطفى
وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار التقى والعروه الوثقى والحبل المتين والصراف المستقيم وصل على
وليک وولاه عهدک والائمة من ولده ومد فى اعمارهم وزد فى اجالهم وبلغهم افضل آمالهم دينا ودنيا وآخره انك على كل
شىء قدير.»

زیارت حضرت صاحب الزمان

در کتاب احتجاج مروی است که حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه در توقیع شریف بسوی محمد بن جعفر حمیری امر فرموده بودند که هر گاه بخواهید مرا زیارت کنید وبه سوی من توجه نمائید پس چنین زیارت کنید وبگوئید:

«سلام علی آل یس، السلام علیک یا داعی الله وربانی آیاته، السلام علیک یا باب الله ودیان دینه، السلام علیک یا خلیفه الله وناصر حقه، السلام علیک یا حجه الله ودلیل ارادته، السلام علیک یا تالی کتاب الله وترجمانه، السلام علیک فی اناء لیلک واطراف نهارک، السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه، السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذه ووکده، السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه، السلام علیک ایها العلم المنصوب والعلم المصبوب والغوث والرحمه الواسعه وعدا غیر مکذوب، السلام علیک حین تقوم، السلام علیک حین تقعد، السلام علیک حین تقرأ وتبین، السلام علیک حین تصلی وتقت، السلام علیک حین ترکع وتسجد، السلام علیک حین تهلل وتکبر، السلام علیک حین تحمد وتستغفر، السلام علیک حین تصبح وتمسی، السلام علیک فی اللیل اذا یغشی والنهار اذا تجلی، السلام علیک ایها الامام المامون، السلام علیک ایها المقدم المامول، السلام علیک بجوامع السلام.

اشهدک یا مولای انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله لا حبیب الا هو واهله،
واشهد ان امیر المؤمنین حجتہ والحسن حجتہ والحسین حجتہ وعلی بن الحسین حجتہ و محمد بن علی حجتہ و جعفر بن محمد حجتہ وموسی بن جعفر حجتہ وعلی بن موسی حجتہ ومحمد بن علی حجتہ وعلی بن محمد حجتہ و الحسن بن علی حجتہ، واشهد انک حجه الله، اتم الاول والاخر وان رجعتکم حق لا شک فیها یوم لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا. وان الموت حق وان ناکرا ونکیرا حق واشهد ان النشر والبعث حق وان الصراط والمرصاد حق والمیزان حق والحساب حق والجنه حق والنار حق والوعد والوعید بهما حق.

یا مولای شقی من خالفکم وسعد من اطاعکم، فاشهد علی ما اشهدتک علیه وانا ولی لک بریء من عدوک فالحق ما رضیتموه والباطل ما سخطتموه والمعروف ما امرتم به والمنکر ما نهیتم عنه، فنفسی مؤمنه بالله وحده لا شریک له وبرسوله وبامیر المؤمنین وبکم یا مولای اولکم وآخرکم ونصرتی معده لکم ومودتی خالصه لکم آمین آمین.»
دعائی که بعد از این زیارت باید خوانده شود:

«اللهم انی اسالک ان تصلی علی محمد نبی رحمتک وکلمه نورک وان تملا قلبی نور الیقین وصدری نور الایمان وفکری نور البیان وعزمی نور العلم وقوتی نور العمل ولسانی نور الصدق وددینی نور البصائر من عندک وبصری نور

الضياء وسمعى نور الحكمة ومودتى نور الموالاه لمحمد وآله **عليهم السلام** وقد وفيت بعهدك وميثاقك، فيسغنى رحمتك يا ولى يا حميد.

اللهم صل على محمد حجتك فى ارضك وخليفتك فى بلادك والداعى الى سبيلك والقائم بقسطك والثائر بامرک ولى المؤمنین وپوار الکافرين ومجلى الظلمه ومنير الحق والناطق بالحكمه والصدق وكلمتك التامه فى ارضك المرتقب الخائف والولى الناصح سفينه النجاه وعلم الهدى ونور ابصار الورى وخير من تقمص وارتنى ومجلى العمى الذى يملأ الارض عدلا وقسطا كما ملئت جورا وظلما انک على كل شىء قدير . اللهم صل على وليک وابن اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت عنهم الرجس وطهر - تهم تطهيراً.

اللهم انصره وانتصر به لدينک وانصر به اوليائك واوليآه وشيعته وانصاره واجعلنا منهم. اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ ومن شر جميع خلقک واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه من ان يوصل اليه بسوء واحفظ فيه رسولک وآل رسولک واطهر به العدل وايدى بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم قاصميه واقصم به جباريه الكفر واقتل به الكفار والمنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملا به الارض عدلا واطهر به دين نبيک **صلى و سلم** اللهم صل على محمد وآل محمد واتباعه وشيعته وارنى فى آل محمد **عليهم السلام** وفى عدوهم ما يحذرون اله الحق آمين يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين.»

تذکر: مستحب است مداومت به اين دعای شريف که در منهج از حضرت امام محمد باقر **عليه السلام** تاذر معتبر روايت شده ودر اين خصوص برای اين عاصى واقعه شريفه اى اتفاق افتاد که ذکرش منافی با اختصار است:

«اللهم انک ترى ولا ترى وانت بالم نظر الاعلى وان اليک المنتهى والرجعى وان لك الاخره والاولى وان لك المماه والمحيى رب اعوذ بك ان اذل او اخزى. دعای ديگر که بسيار بايد خواند: يا الله يا رحمن يا رحيم يا مقلب القلوب ثبت قلبى على دينک.»

ختم کتاب به چند رباعى از انشأ آت اين عاصى:

| | | |
|----------------------------------|-------------------------------|-----------------|
| هر کس به خيالى به جهان شد مسرور | عید آمد وشد ز لا | له بستان پر نور |
| ز آن رو که جمالت بود از ما مستور | ما را غم ومحنت والم شد پر زور | |
| بازا که شود جهان به ت و وشک جنان | ای ما حصل مراد از کون و | مکان |
| حظى نبود مرا ز باغ وبستان | بى دیدن طلعت تو ای جان جهان | |

این دل که به مهر تو سرشته ز آغاز
افتاده ز دوری تو در سوز و گداز
ز آن پیش که خصم دون به ما طعنه زند
ما را به یکی نظاره شاها بنواز
«بعون الله تعالى وحسن تاييده تمام شد كتاب كنز الغنائم في فوائد الدعاء للقائم ارواحنا له الفداء والحمد لله الذي
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله.»

فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۳۳.

پی نوشت ها

۱. لمولفه:

گذشت عمر من اندر فراغ یار دریغ ز هجر غرقه خون شد دل فکار دریغ
شد از فراقش روزم سیاه چون شب تار گذشت عمرو بمردم در انتظار دریغ

۲. نام مبارکش محمد بن ابراهیم، شاگرد شیخ کلینی **رحمه الله** یار جلیل القدر و کتاب او در نهایت اعتبار است . این حدیث را کلینی نیز در اصول کافی به اندک تفاوتی روایت فرموده.

۳.

هو العلم الهادی باشراق نوره وان غاب عن عینی کوقت ظهوره
الم تر ان الشمس ینشر ضوها اذا هی تحت القزح حین عبوره

۴. کلمات فرج این است: (لا اله الا الله الحلیم الکریم، لا اله الا الله العلی العظیم، سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب العرش العظیم).

۵. فرمود که جبرئیل به حضرت رسول **صلی و سلم** **اگر بابتیاد کلمات با هیچ یک از انبیاء بقدر شما محبت نداشته ام پس بسیار بخوانید این دعا را. حقیر گوید: واضح است که در مقام اظهار محبت کامله به آن جناب اگر تحفه بهتر سراغ داشت آن را ذکر می نمود.**

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۳ | پیشگفتار..... |
| ۷ | نور الابصار فی فضیلة انتظار..... |
| ۸ | ثواب و فضیلت انتظار..... |
| ۱۳ | واجب بودن انتظار..... |
| ۱۵ | معنای انتظار..... |
| ۱۶ | انتظار واجب بدنی..... |
| ۱۷ | انتظار قلبی کامل..... |
| ۱۸ | درجه کامل انتظار..... |
| ۲۱ | کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم..... |
| ۲۳ | مقدمه..... |
| ۲۵ | ادای حق مؤمن..... |
| ۲۷ | تحقیق در امر دعا..... |
| ۲۸ | دعای ائمه..... |
| ۳۰ | سر اهتمام ائمه در دعا برای ظهور امام زمان..... |
| ۳۱ | منافع دنیوی دعا..... |
| ۳۶ | فایده های اخروی تداوم در دعا..... |
| ۴۵ | اوقات دعا..... |
| ۴۷ | بعضی از دعاها..... |
| ۵۲ | زیارت حضرت صاحب الزمان..... |
| ۵۵ | پی نوشت ها..... |